

## متحد و یکصدا خواهان آزادی بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی شویم!

هنوز خاطره خیزش گرسنگان در دیماه نود و شش و آبان نود و هشت در ذهنیت تاریخی این جامعه زنده است. هنوز مردم داغدار جانباختن بیش از هزار و پانصد نفر از بستگانشان در تهاجم سرکوبگران در آبان نود و هشت هستند. هنوز بسیاری از خانواده‌ها در اندوه قربانی شدن صد و هفتاد و شش تن از عزیزانشان در جریان به موشک بسته شدن هواپیمای پرواز اوکراین به دست سپاه پاسداران بسر می‌برند. هنوز مردم درماندگی، دروغ پردازی و سیاست های فاجعه بار رژیم در جریان شیوع پاندمی کرونا را فراموش نکرده‌اند. هنوز فراموش نکرده‌اند که در طول دو سال گذشته می‌بایست بین مرگ ناشی از کرونا و یا ناشی از گرسنگی یکی را انتخاب کنند. و اکنون در شرایطی که میلیون‌ها تن از این مردم در چنگال بی رحم فقر، گرانی و تورم گرفتار آمده بودند، دولت رئیسی با افزایش پنج برابری نرخ آرد یک تعرض سازمانیافته جدید به زندگی و معیشت میلیونها تن از مردم را به اجرا گذاشت.

در ادامه این موج گرانی، افزایش قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز روزمره مردم در دستور کار دولت قرار گرفت. مرغ کیلویی شصت هزار تومان، تخم مرغ هر شانه سی عددی هفتاد و شش هزار تومان، بطری هشت صد گرمی روغن مایع خوراکی شصت هزار تومان، روغن جامد پنج کیلویی سیصد و هشتاد هزار تومان، شیر هشت صد گرمی پانزده هزار تومان، بسته چهارصد گرمی پنیر سی و هشت هزار تومان و قیمت بسیاری از کالاهای اساسی دیگر صد درصد افزایش یافت.

این تهاجم وحشیانه به زندگی و معیشت میلیونها تن از کارگران و تهی‌دستان نمی‌توانست بی‌جواب بماند. دستکم در سی و یک شهر و در چندین استان کشور گرسنگان و تهی‌دستان شهری روزهای متوالی دست به شورش زدند. همزمانی این شورش‌ها با اعتراضات



## سناریوی رسوای دولت و رسانه‌های امنیتی رژیم اسلامی علیه معلمان



## کومه‌له مدافع قاطع حکومت شورایی در کردستان

## گام‌های عملی ایجاد یک شکل توده‌ای

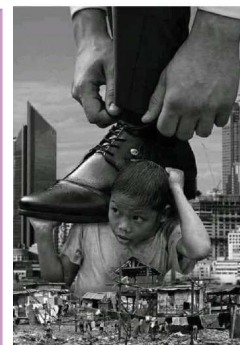
## سرمایه داری مسبب اصلی جنگ، فقر و گرسنگی است!



در صفحات دیگر:

\* ادبیات پیشرو

\* پرسش‌ها و پاسخ‌ها



## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۱ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلاتی احزاب کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193  
0046760854015  
004799895674  
00436601195907

تماس با کمیته تشکیلاتی  
احزاب گروه‌له (تکشی)

takesh.komalah@gmail.com

صادق زاده، مژگان باقری، فریبا نظام زاده، محمد عالیشوندی، اصغر امیرزادگان، مهرداد یغمایی، افشین رزمجو، غلامرضا غلامی کندازی، حمید عباسی، عبدالرزاق امیری، محمدعلی زحمتکش، محسن بهرامی، فریبا معینی، مهدی کلاتری، حمیده زارع و احمد چنگیزی کماکان در بازداشت بسر می‌برند. همزمان که رژیم که نتوانسته بود با بازداشت رضا شهبابی و تهدید وحتى نشان دادن نیروهای نظامی در پشت فرمان اتوبوسهای شرکت واحد در تهران از اعتصاب رانندگان واحد در روزهای بیست و شش و بیست و هفت اردیبهشت ممانعت به عمل آورد، بیش از بیست نفر از رانندگان شرکت واحد را بازداشت کرد.

با وجود تمام سرکوبگریها در خیابان و دستگیریهای گسترده، اعتراضات نه تنها در داخل کشور ادامه دارد بلکه موج گسترده ای از پشتیبانی جهانی توسط اتحادیه های کارگری در دفاع از شورش گرسنگان و مطالبه آزادی دستگیرشدگان به حرکت در آمده است. هر دو این عوامل در درون و خارج مرزهای جغرافیای کشور بیان این است که جنبش اعتراضی توده‌های و اعتراضات و اعتصابات کارگری گام به گام خود را برای نبرد نهائی با رژیم سرمایه داری - مذهبی آماده میکنند. با این وجود در لحظه کنونی بسیار مهم است که مطالبه آزادی بازداشت

سراسری معلمان در بیست دوم اردیبهشت و اعتصابات کارگران پیمانی در نفت و گاز و آنگاه اعتصاب رانندگان شرکت واحد حکومت اسلامی سرمایه‌داران را در هراس انداخت. یک بار دیگر رژیم برای مقابله با شورش گرسنگان به سرکوب روی آورد و پاسخ مطالبه نان را با گلوله و بازداشت و زندان داد. شورشیان اما با سر دادن شعارهایی از جمله "رئیس حیا کن، مملکت را رها کن"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر رئیسی"، "مرگ بر گرانی" نه تنها به مقاومت در مقابل یگان های ویژه پرداختند، بلکه هر جا که فرصتی دست داد، نمادهای ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی رژیم را به آتش کشیدند. در بسیاری از شهرها نیروهای سرکوبگر بطور مستقیم به جانب مردم تیراندازی کردند. هزاران نفر تا کنون بازداشت شده اند. به گزارش "هرانا" از سه زندان در استان خوزستان دستکم چهار صد چهل و نه نفر در زندان به سر می‌برند. موج دستگیریها اما تنها متوجه شورشیان در خیابان نبود. رژیم موج دستگیریهای را که از روزهای قبل از اول ماه مه روز رزم جهانی کارگران در میان فعالین کارگری و معلمان آغاز کرده بود با شتاب بیشتری در روزهای بعد ادامه داد.

اوج توحش رژیم در بازداشت معلمان زمانی آشکار گشت که خانم سیسیل کوهلر معلم و عضو اتحادیه معلمان فرانسه و همسرش آقای ژاک پاریس معلم مقطع ابتدائی که گویا در پی ایجاد "آشوب" از طریق فرهنگیان بودند در یک طراحی بی مایه سوخته از طریق شیکه های تلویزیون رژیم پخش شدند. طنز تاریخ اینکه فرهنگیان در ایران و بویژه کسانی که



شدگان و زندانیان سیاسی به یکی از شعارهای محوری شورش در خیابان و اعتراضات و اعتصابات کارگری تبدیل شود. تلاش کرد خیزش توده ای را به مقابل بازداشتگاهها و زندانها کشاند. نباید اجازه داد که رژیم از طریق به بند کشیدن رهبران و فعالین جنبش کارگری و شورش تهیدستان و جنبش های اعتراضی جلوی پیشروی مبارزه توده های جان به لب رسیده را بگیرد. برای سازماندهی و هماهنگ کردن اعتراضات خود کمیته ها و شوراهای محلات را بر پا کنیم.

در "طراحی سوخته" به تصویر کشیده شدند کسانی هستند که بیش از بیست سال است که برای مطالبات برحق معلمان در حال مبارزه هستند و گویا ناگهان آلت دست کسانی شده اند که اتفاقاً در کشور خورشان در تقابل با سیاستهای دولت فرانسه قرار دارند.

از میان صدها معلم بازداشت شده در اردیبهشت ماه، هم اکنون اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، رسول بدایقی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، رضا امانی فر، محسن عمرانی، هادی

عباس منصوران

## خیزش اردیبهشت، تداوم جنبش طبقاتی

میر میلیونی گرسنگان را در پی داشت، از نگاه بازار سرمایه تنها نسخه‌ای بود که کارشناسان اقتصادی استعمارگران، به سلاخانی مانند رئیس هیئت مرگ به همانگونه که خمینی جنایت پیشه با فرمان تابستان ۶۷ در زندان‌ها ابلاغ کرد، ارائه می‌شد. سران حکومتی، بین دو گزینه‌ی: ۱- ناتوانی از پرداخت بودجه‌های جاری به نیروهای امنیتی و یگان‌های ویژه و دستگاه‌های حاکمیت خویش، نپرداختن هزینه‌های تروریسم دولتی و سپاه و نیروهای قدس و فاطمیون و زینبیون و علویون و صدها شبکه اجاره‌ای و مزدور در یمن و لبنان و عراق و سوریه و وو، ۲- گزینه‌ی شورش گرسنه‌گان، باید یکی را بر می‌گزید. اتاق فکر خونخواران حاکم، اولی را برگزید به این امید واهی که خیزش توده‌ها را با نیروی سرکوب تا فردایی دیگر مهار کند!

گزارش‌های حکومتی مدعی آن هستند که بیش از نود درصد «مردم» تا سال ۱۴۰۰، نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار از «درآمد ناخالص داخلی» و نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار به صورت یارانه کالاهای اساسی و سوخت سهم داشتند. هیئت مرگ، این بار آمده بود تا با «دولت جهادی و انقلابی» برای تامین هزینه‌های جاری برای ماندگاری و بقا حکومت به «جراحی اقتصادی» این یارانه‌ها پردازد. به این معنا که نان و کالاهای اساسی افزون بر ده برابر گران خواهد شد. وعده‌های پرداخت یارانه‌های ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی که اجازه برداشت نخواهند داشت تنها برای فریب و فروگاهی شعله‌های خیزش تبلیغ می‌شدند. ابراهیم رئیسی، همانگونه که به فرمان خمینی در نقش رئیس هیئت مرگ در حسینیه‌های دار تابستان ۶۷ و دهه‌ی شصت هزاران هزار تن از آزادیخواهان را قتل‌عام کرده بود، از سال ۱۴۰۰ به فرمان رهبر باندهای فساد حکومتی، سلاح این جراحی شد.

### جغرافیای جنبش

ماشه‌ی خیزشی که با اول ماه می، با خیزش انفجاری در خیابان‌ها، واکنش طبقاتی در برابر هجوم از پیش طراحی شده‌ی طرح «اجرای قانون اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها» بود. این یورش و دستبرد به سفره‌ی خالی کارگران و تهی‌دستان، کارگران را در کارگرشهرها برآشفتم. فشاپویه، اندیمشک، دزفول،

اما با کیفیتی پویاتر و پرتوان‌تر جلوه‌گر شد. رادیکالیسم خیزش اردیبهشت ۱۴۰۱ به آشکارا از آن دینامیسم مبارزه طبقاتی نیرو می‌گرفت که دستکم در انقلاب سیاسی بهمن ماه ۵۷ ناکام مانده بود. روز شنبه ۲۳ اردیبهشت باردیگر پیشتازان جنبش سرنگونی و طبقاتی در شهرک‌ها و شهرهای صنعتی، خیزاب‌گونه، موج بر موج بستند و کوبنده دیوارهای پوسیده حکومت اسلامی را نشانه گرفتند.

### می رزمیم، می رزمیم تا پیروزی می‌جنگیم!

سید ابراهیم رئیس‌السادات، جلا دهه‌ی شصت در راس دولت مرگ، ماموریت یافته بود تا برای تامین هزینه‌های و نیابتی و تروریسم دولتی، برنامه‌های اقتصادی دولت خود را «اصلاحات اقتصادی به نفع معیشت مردم» بخواند و با حمایت از آن گفت که همه دستگاه‌های نظامی، انتظامی، امنیتی و همین‌طور قوه قضائیه باید برای کمک به اجرای این برنامه‌ها «تمام تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا آرامش و امنیت مردم به موازات اجرا و عملیاتی‌سازی این طرح بر هم نخورد». این همان «جراحی اقتصادی» یعنی بریدن آخرین لقمه‌ی نان از گلو گرسنگان بود. پیش‌بینی شده بود که واکنش فوری توده‌های گرسنه و زیر ستم، خیزشی سراسری خواهد بود. تمامی ماشین سرکوب برای چنین برآمدی، فرمان آماده باش گرفته بودند. باندهای فاسد، به این بهانه که پرداخت یارانه با ارز ۴۲۰۰ تومانی به وارد کنندگان، تورم‌زا بوده و باید برداشته شود، از یکسوی گرانی و قحطی مرگ‌آوری را تدارک دیده بودند تا کسری بودجه نظامی و بقای فلاکت‌بار خود را ا مداخلات نظامی در دیگر کشورها، هزینه کهنکشان‌ی آدمکشان و ماشین نظامی و تروریسم دولتی تامین کنند و در سوی دیگر با ساتور سلاخی خود، یارانه‌ی ناچیز تهی‌دستان را از دهان گرسنگان ببرند.

توطئه‌ی بریدن یارانه‌ها با اعلام گرانی چندین برابری ۴ کالای اساسی از جمله گرانی نان و کالاهای بخور و نمیر همراه بود. حکومت اسلامی سرمایه به سود بازار سرمایه، کاهش ریسک بازار سرمایه‌داران، افزایش سودآوری شرکت‌های باندهای حاکم، کاهش کسری بودجه دولت در حال فروپاشی را در برنامه داشت. این «جراحی» سلاخان حکومتی که مرگ و

خیزش فراگیر اردیبهشت ماه در روز کارگر فراخوانده می‌شود. مارش روز کارگر، اول ماه می، ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱، در ۴۳ ساله‌ی اخیر در ایران با حضور سراسری، همبستگی طبقاتی رسته‌های گوناگون کارگری در بخش‌های تولیدی و خدماتی اعلام یک مبارزه طبقاتی و ورود به اقدام مستقیم مبارزه طبقاتی علیه مناسبات اقتصادی و حاکمیت سیاسی آن بود. حکومت اسلامی، هجوم نیروهای سرکوبگر خود را فرمان داد. پیوستار روز کارگر، فراخوان و حضور کوبنده‌ی کارگران بخش آموز (معلمان و بخش فرهنگیان) در بسیاری از شهرهای ایران به مناسبت ۱۲ اردیبهشت در روز معلم همایش باشکوه و دگرگونی بود که در دل رژیم واهمه افکند. این همایش با فراخوان «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» در شهرهای بوشهر، اراک، کرمانشاه، سقز، نورآباد، خمینی‌شهر، شیراز، الیگودرز، البرز، بوشهر، یزد، اصفهان، دهدشت، لنگرود، سنندج، مریوان، شوشتر، رشت، یاسوج، تهران، اردبیل، لاهیجان، تبریز، قزوین، تنکابن، اهواز، اراک و... پرشکوه بود و حکومت اسلامی با شبیخون پیش از برگزاری، علی‌اکبر باغانی، رسول بدافی، محمد حبیبی و جعفر ابراهیمی را در سرپناهندگان روده بود. بالندگی کیفی و کوبندگی شعارها و خواست‌ها، نقش زنان با پیشتازی و حضور بلندمدت خویش، اتحاد عمل این بخش‌ها و نیز ارگان‌های جمعی بازنشستگی، اعلام حضور و رویکرد انقلابی یک جنبش طبقاتی را به نمایش می‌گذاشت که به رویارویی مستقیم و تعیین تکلیف نزدیک می‌شود.

این تداوم مبارزه علیه حاکمیت مذهبی و طبقاتی و مناسباتی است که خیزشگران آن در سال ۱۴۰۰ با رشدی نزدیک به سه برابر بیش از سال ۱۳۹۹ در کارنامه داشتند. به گونه‌ای که بیش از ۱۳۰۰۰ مورد اعتراض، اعتصاب و تحصن سراسری کارگران و فرودستان ثبت شده در سال ۱۴۰۰ بیانگر کارزاری مداوم و دامنه‌دار، شیپور خیزش ۱۴۰۱ بود.

با این پیوند و تداوم، در روز جهانی کارگر در ایران با حضور کم مانند در ۴۳ ساله‌ی گذشته، باردیگر توفان جنبش وزیدن گرفت. جلوه‌یابی این برآمد، همانند دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ و تابستان ۱۴۰۰، فورانی و سراسری،



واحد اتوبوسرانی تهران و حومه علیه گرسنگی و در همبستگی با جنبش کارگری و خیزش گرسنگان با خواست نان و کار و آزادی، در برابر شدیدترین آماده باش و گردنکشی گارد ویژه صف کشیدند. این برآمد فراگیر با گذشت ۱۷ سال از اعتصاب هشتم بهمن ۱۳۸۴ تاکنون بی‌مانند بوده است. کارگران اتوبوسرانی، با خواست افزایش دستمزد دستکم در همان چندین برابر زیر خط فقر مطلق به خیزش اردیبهشت پیوستند. «مصوبه شورای عالی کار برای افزایش ۵۷ درصدی دستمزدها» وعده داده بود تا برآمد کارگران را در انتظار این مصوبه زمینگر سازد. کارگران، اتوبوس‌ها را خاموش و خود در برابر دفتر مرکزی سازمان اتوبوسرانی تهران به همایش اعتراضی پرداختند. شعارهایی هم چون «شهردار بی‌لیاقت، استعفا، استعفا» سر دادند و با خشم فراوان و با فریاد «یالا، یالا، حقوق ما یالا!» خواستار افزایش فوری دستمزدهای خود شدند.

یکی از شاهدان عینی به خبرگزاری، دوپچه وله آلمان گفت: «قیامته، مردم هاج و واجند، چهار راه ولیعصر پر از نیروهای ویژه است، آدم یاد فیلم‌های سینمایی با موضوع حکومت نظامی می‌افته.»

یکی دیگر گفت: «راننده‌های بی آر تی خط ولیعصر اعتصاب کردن، اسنپ و تاکسی هم نیست و مردم مستاصلند.»

روز سه‌شنبه رانندگان ایستگاه غرب غافلگیرانه صف کشیدند و در همان توقفگاه، اتوبوس‌ها را خاموش کردند و یکصدا و بی‌واهمه، در برابر یورش نیروهای سرکوبگر رویارویی کردند. رانندگان سامانه‌های پنج، چهار و دو نیز و شمار زیادی از کارگران تعمیرگاه‌های شرکت واحد نیز دست از کار کشیده و به اعتصاب پیوستند.

با اعتصاب خطوط بی‌آرتی، تمامی مدارس، دانشگاه‌ها و اداره‌ها در تهران تعطیل شدند. رژیم در حالیکه شدت آلودگی کمتر از روزهای گذشته بود، تمامی مدارس و دانشگاه‌ها و بسیاری از ادارات را تعطیل اعلام کرد تا تهران به شورش بر نخیزد. اعتصاب رانندگان شرکت واحد خطوط بی‌آرتی از همان روز نخست، در سطح شهر تهران تاثیر خود را گذارده بود.

ادامه اعتصاب رانندگان و کارگران شرکت در تهران، باندهای حاکم را هراسناک ساخته بود. نیروهای امنیتی، در هراس از پیوستن صدها هزار تن از دانش‌آموزان، دانشجویان و کارگران و فرودستان در تهران به اعتصاب کارگران شرکت واحد، صدها پاسدار را به سامانه‌ی چهار بی‌آرتی واقع در نازی‌آباد تهران آوردند تا در فرصت



اهواز، جنبش کارگران بخش آموزش و پژوهش در زمان بستن راه به این جنبش

سیسل کوهلر ۶۹ ساله از نمایندگان روابط عمومی فدراسیون ملی آموزش، فرهنگ و آموزش حرفه‌ای به همراه «ژاک پاریس» ۳۷ ساله روز ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ در تهران ربوده شده بودند تا آنها را به اتهام جاسوسی و سازماندهندگان اعتصاب‌های جاری جلوه دهند، به آن امید که با تروریست‌ها و سلاخان دستگیر شده در سوئد و بلژیک مانند حمید نوری، دادیار زندان گوهر دشت در جنایت علیه بشریت در سال ۶۷ و نیز تروریست‌ها بمبگذار در گردهمایی مجاهدین در پاریس مبادله کند.

هم‌زمان با دستگیری رضا شهابی، از دستگیری ریحانه انصاری، از فعالان کارگری در ایران خبر داده شد. سندیکای کارگران شرکت واحد در باره دستگیری رضا شهابی گزارش داد: «پنج مامور وزارت اطلاعات به منزل رضا شهابی مراجعه و نگهبان ساختمان را مجبور کردند در آپارتمان را بزنند. ماموران به محض اینکه لای در باز شد، با وجود اینکه همسر و دختر رضا شهابی لباس مناسب نداشتند، به زور وارد خانه ایشان شدند.»

همزمان با چنین شیخونی، مزدوران برای دستگیری حسن سعیدی و داود رضوی از دیگر اعضا سندیکا هجوم برده بودند، ما را زدستگیری و از ربایش ایندو فعال کارگری شرکت واحد، ناکام ماندند. سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار بیانیه‌ای، بازداشت فعالان کارگری «پرونده‌سازی، بازداشت و نشر و پخش اکاذیب» حکومتیان را محکوم کرد. روز دوشنبه ۲۶ اردیبهشت رانندگان شرکت

ایذه، دورود، شهرکرد، جونقان، هفشجان (هفشنگان)، یاسوج و ... با شعار مرگ بر این دولت مردم فریب! به خیابان‌ها شتافتند. استان‌های تهران، خوزستان، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد ووو با حضور پیشتاز زنان و مردان پیشاهنگان جنبش اردیبهشت بودند. سوسنگرد، حمیدیه، اهواز، ماهشهر، مسجد سلیمان، شادگان، شهرک جراحی ماهشهر، اردبیل، فارسان، خرم آباد، دهدشت، بروجرد، سوق، یزد، گلپایگان، پردنجان و فارسان چلیچه (شهرکی در بخش جونقان از توابع شهرستان فارسان استان چهارمحال بختیاری)، شیراز، اصفهان، رشت، نیشابور، سورشجان، باباحیدر، شهرک کاروان (رضویه) در تهران، و... به جنبش اردیبهشت پیوستند.

جغرافیای جنبش در سراسر ایران، برای نمونه هفشجان با جمعیتی نزدیک به ۲۲ هزار تن (افزون بر ۶ هزار خانوار) بیشترین آنها کارگران نفت و گاز در این میدان به یغما برده شده به دست باند حکومتی سپاه، بیانگر بافت طبقاتی این جنبش است. نفتگران و کارگران پروژه‌ای میدان نفت و گاز هفشجان در اعتصاب تابستان ۱۴۰۰ پیشتاز بودند، تا آزاد سازی شهرک پیش‌تاختند و نیروهای سرکوب را زمینگیر ساختند. این مبارزه با دستهای خالی از سلاح، در فارسان و جونقان و ایذه و... نمایانگر پویایی یک جنبش کارگری است که به ویژه از بهمن ۵۷ تا کنون در جوش و خروش و افت و خیز، اما جاری و ساری تا نبرد نهایی ره می‌پوید. هفت تپه از زبان پیشتازان کارگری در مجتمع نیشکر و کانال مستقل کارگری خویش، همراه با گزارش‌های خیزش، همبستگی طبقاتی خود را اعلام کرد.

## کارگران شرکت واحد

برای پیشگیری از گسترش خیزش، فرمان دستگیری و ربایش و چهره‌های شناخته شده جنبش کارگری داده شده بود. رضا شهابی عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت واحد از جمله دستگیرشدگان موج جدید خیزش است. صبح ۲۲ اردیبهشت رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد از سوی ماموران سازمان اطلاعات سپاه بازداشت شد.

حکومت اسلامی پیشاپیش دو عضو اتحادیه‌های کارگری فرانسوی «اروپایی» را که برای گردشگری و دیدار دوستان کارگری که می‌شناختند در تهران به گروگان گرفته بود و بنا به سناریو سوخته و کمیک، آنان را «سازمان‌دهنده آشوب و بی‌نظمی» معرفی کرد.

چند ساعت، آموزش رانندگی با اتوبوس‌های شرکت واحد را فراگیرند. این اقدام با شکست روبرو شد و به علاوه به سبب ناشی‌گری و هراس پاسداران، خسارت‌های زیادی به اتوبوس‌ها وارد آوردند. روز نخست، ۷۰۰ دستگاه از اتوبوس‌های فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا) به جابه‌جایی مسافران پرداخت که به سبب نا‌آشنایی، جز شکست نتیجه‌ای به بار نیاورد. روز دوم و سوم اعتصاب شهرداری و دستگاه‌های امنیتی ناچار شدند تا راننده‌گان غیرشاغل در اتوبوس‌رانی تهران را به کار گیرند، اما این تلاش اعتصاب شکنانه نیز بی نتیجه ماند. آتش‌نشانان آگاه و شجاع، به درخواست حکومتیان برای رانندگی اتوبوس‌ها و شکستن اعتصاب، پاسخی دندان شکنانه دادند و تلاش کارگزاران سرمایه را نقش بر آب کردند. چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱، حسن سعیدی، از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. برای این ربایش، ماموران سازمان اطلاعات سپاه، از پشت بام شبیخون زدند و پس از بازداشت حسن سعیدی با درهم شکستن وسایل خانه، تلفن همراه وی و سایر اعضای خانواده رابه سرقت بردند. شمار بازداشت شدگان اعتصاب اخیر افزون بر ضد تن گزارش شده است. کانال سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همچنین هویت پنج تن دیگر از بازداشت شدگان به نام‌های «وحید فریدونی، علیرضا زارعی، جواد صادقی پور، محمد عباس دایی و واحد صالح پور» گزارش داده است.

### قتل، فساد، جنایت، پرونده‌ی رسالت

خیزش طبقاتی اردیبهشت به ویژه شبانه در بیشترین شهرها و شهرک‌ها با پیشنازی کارگران ادامه داشت. اعتراضات سه‌شنبه شب ۲۷ اردیبهشت در گلپایگان بیانگر شرکت گسترده توده‌های به پاخاسته و شعارهای کوبنده علیه حاکمیت اسلامی بود: «مرگ بر دیکتاتور!» «توپ، تانک، فشفشه / آخوند باید گم بشه!» و «رئیس‌ی حیا کن/ مملکتو رها کن!» در شب‌های خیزش در گلپایگان بیانگر فراگیری جنبش بود.

روز ۳۱ اردیبهشت کارگران قراردادی وزارت نفت در برابر این وزارتخانه در تهران به همایش برخاست. خواست فوری این همایش، خارج شدن آنها از مشمولیت تنها افزایش حداقل دستمزد تعیین شده تنها ده درصدی توسط شورای عالی کار بود. این خیزش کارگری در پیوند و همراستا با خواست‌های کارگران نفت در کارون، مارون و آغاچاری

و گچساران صورت می‌گرفت. اعتراضات در مراکز نفتی گسترده است. علاوه بر خواست افزایش دستمزد، برچیده شدن شبکه‌های ضد انسانی پیمانکاران در بخش‌های مختلف نفت و گاز و پتروشیمی بود.

همایش اعتراضی صبح روز ۳۱ اردیبهشت جمعی از کارکنان و کارگران بخش موتوری، شماری از پاکبانان و رانندگان واحدهای عمرانی و خدماتی در اهر در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای خود، خواست استخدام رسمی و کوتاه شدن دست پیمانکاران، از جمله خواست‌های کارگران شهرداری‌های سراسر ایران هستند.

**نان کار آزادی حق مسلم ماست! درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید!** از جمله شعارهای مشترک کارگران و بازنشسته‌گان و تمامی به پاخاسته‌گان بودند.

### بیانی‌هی کانون نویسنندگان ایران

#### در پشتیبانی از خیزش سراسری

«کل این یورش سبانه به سطح معیشت مردم را می‌توان این‌گونه توضیح داد که حکومت برای حفظ نظام اقتصادی ظالمانه‌اش دیگر نمی‌تواند و نمی‌خواهد ارزش ترجیحی به تولیدکنندگان کالاهای اساسی بدهد و این امر هیچ معنایی جز تشدید سرسام‌آور گرانی و افزایش لگام‌گسیخته‌ی قیمت‌ها ندارد. در این میان البته روشن است که یکی هم باید تاوان این گرانی انسان‌سوز را بدهد و آن هم کسی نیست جز مردمان اعماق، گرسنگان و داغ‌لغت خوردگان.»

در برابر این خیزش سراسری و تاریخی ۷ شبانه روزه است که سناریوی کمیک فرمانده سپاه محمد رسول‌الله اعلام شد: «روز جمعه با چند ده هزار بسیجی و سپاهی، اقدام به مانور خواهند کرد.» «سلام فرمانده» به مضحکه تبدیل شد. این واماندگی رژیم، در سراسر ایران با «سلام درمانده، فرماندهی وامانده» پاسخ داده شد. مانور و حکومت نظامی و یگان‌های ویژه، آخرین زبان حکومت اسلامی سرمایه، بیش از آنکه چاره‌ساز حکومت درمانده باشد، بیچارگی و درماندگی این رژیم را به نمایش می‌گذارد. شعار توده‌های به پاخاسته در خیابان‌ها و هر کوی برزن جاری و فراگیر است.

فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون!

دشمن کارگران، دولت غارتگران!

«خامنه‌ای قاتله، ولایتش باطله!»

اینک، تمامیت نظام با باندهای حاکم و مناسبات آن، هدف خیزش‌اند.

خیزش جاری، یعنی اعلام عمومی تن ناسپاری

به حکومت تبه‌کاران و فاسدان! این خیزش برای خودرهایی و علیه هر نوع بندگی و بردگی است!

شورش گرسنگان برای نان و کار و آزادی است که به خیزش سراسری برای یک زندگی شاد و انسانی گراییده‌است!

خیزشی که توده‌های کار و زحمت علیه خواری و در دفاع از عزت انسانی خویش به پاخاسته است!

تغییر ساختار نیروهای انتظامی سرمایه و اعلام فرماندهی (فراجا) نیروهای سرکوب به جای ناجا، یعنی حکومت نظامی و درماندگی حکومت اسلامی سرمایه‌داران!

تمرکز یگان‌های ویژه در صدا و سیمای حکومتی یعنی هراس رژیم از تسخیر حتمی مرکز تبلیغاتی و سیاسی خود!

تمرکز یگان‌های ویژه در کلان شهرها و شهرهای کارگری، یعنی آخرین تیرهای یک حکومت درمانده!

این سراسیمگی حکومت اسلامی، به آشکارا نشان می‌دهد که چه کسی به محاصره افتاده است!

جبهه‌ی کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران، نوید بخش اتحاد عمل و اعتصاب عمومی است!

خیابان‌ها، رودهایی هستند به سوی دریای آزادی!

سیل بندها را در هم می‌شکنیم!

خیزش اردیبهشت با شکوه درخشید و همچنان زیر پوست جغرافیای کار و زحمت می‌گرد تا آتش‌فشان شود. جنبش، همچنان جاری است، همانند رود، تا به موقعیت انقلابی فرا رود.

کاستی خیزش اردیبهشت، نابرخورداری از پیوستن دیگر کارگران اتوبوسرانی در سراسر ایران و نیز نابرخورداری از پیوستن کارگران شاغل در رشته‌های کلیدی تولیدی و خدماتی از جمله نفت و گاز و پتروشیمی و ترانسپورت زمینی، راه‌آهن، هوایی و کشتیرانی و بندرگاه‌ها به اعتصاب عمومی بود. سال پر خیزشی در پیش روی داریم. جنبش کارگران، جنبش گرسنگان، جنبش برای نان، کار و آزادی، جنبش‌های بردگی نیروی کار می‌خروشد!

خیزش، بار دیگر از خیابان‌ها نیرو گرفت، تجربه آموخت و با این آزمون به شور و خرد جمعی می‌نشیند تا دیگر بار با برخورداری از تمامی نیروهای کار و رهایی برآید و فریاد برآورد: «گل همین جاست، همین جا برقص!»



## سناریوی رسوای دولت و رسانه های امنیتی رژیم اسلامی علیه معلمان

صنفي معلمان، تقريبا از زمان تولدش، عضو EI بوده و كاملا شفاف و علنی با این نهاد بین المللی که مجموعه ای از اتحادیه های معلمان سراسر جهان است، ارتباط دارد. یکی از مهمترین وظایف این نهاد، پیگیری اصلاحات آموزشی و رصد شرایط آموزش و پرورش کشورها به ویژه وضع معلمان است.

حال چگونه است که این فرد که عضو این نهاد بین المللی است و با اسم و رسم و عنوان به ایران می آید و در حوزه فعالیت خودش انجام وظیفه می کند جاسوس نامیده می شود؟! و این احتمالا رازی است که تنها تهیه کنندگان با استعداد! برنامه های امنیتی صدا و سیما و رسانه های وابسته به آن می دانند!

در عکس منتشر شده رسول بدافی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی در کنار این دو معلم فرانسوی دیده می شوند. به گواه همه فعالین صنفی کشور، این معلمان از خوشنام ترین و وطن پرست ترین فعالین صنفی معلمان هستند و به هیچ وجه اتهامات مطرح شده در فیلم به این عزیزان وارد نیست. کمترین سند در این رابطه، زندگی معلمی آنان است که در کنار معلمی و فعالیت صنفی شان یکی راننده اسنپ است و دیگری کشاورزی می کند و دیگران هم بدون شغل دوم روزشان به شب نمی رسد! اینها، برخلاف جاسوسان واقعی، نه خانه و ویلایی در لندن دارند و نه حساب پس اندازی در سوئیس و نه فرزند یا فرزندان در آمریکا و کانادا و... آری معلمانی گچ به دست می باشند که مانند همه مردم این سرزمین تحت انواع فشارهای سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک و مخصوصا اقتصادی هستند و اتهام مضحک جاسوسی، ابا به آنان نمی چسبد.»

در بخش پایانی کانون صنفی معلمان ایران آمده است: «هشدار داده و توصیه می کنیم با چنین برنامه هایی بیش از این عرض خود را نبرید؛ زیرا حرکت معلمان با خواسته های معیشتی - منزلی که در یک سال گذشته بیش از همیشه پویا، زنده و واقعی است با این برنامه های مستهجن! نه تنها آرام نمی گیرد بلکه آتش خشمشان را برافروخته تر خواهد کرد.»

فعالین و سازماندهندگان این اعتراضات را مرعوب نمایند. اما این سناریو هم داغ رسوایی دیگری بر پیشانی حکومت اسلامی سرمایه داران کوبید. کانون صنفی معلمان ایران طی بیانیه ای که به تاریخ پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ پیرامون سناریوسازی سیما و رسانه های وابسته به رژیم انتشار داد، ماهیت اهداف رژیم از این سناریوسازی را افشا کرد. در این بیانیه آمده است:

«صدا و سیما و چند رسانه ی امنیتی شناسنامه دار، در گزارشی که مرغ پخته را نیز به خنده وامی دارد به دیدار چند عضو ارشد و خوشنام شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران با زن و شوهری فرانسوی پرداخته است. این فیلم قصد دارد اعتراضات معلمان را دسیسه ی سرویس های جاسوسی غربی معرفی کند و با تمسک به آن صدای حق خواهی معلمان، که یکی از درخشان ترین حرکت های مدنی دو دهه گذشته را رقم زده اند، خاموش کند. غافل از این که چنین سناریوهای نخ نمایی چندین سال است گوش شنوایی ندارد و باعث آبرو ریزی بیشتر تهیه کنندگانش می شود.»

اگرچه تهیه ی گزارش از سوی مجموعه خبری هشت و سی دقیقه و رسانه های معلوم الحالی همچون کیهان، مردم فهیم و آگاه جامعه را بی نیاز از توضیحات بیشتر در مضحک بودن این سناریوسازی و تلاش برای فریب افکار عمومی می کند، اما برحسب وظیفه برخورد لازم می دانیم توضیحاتی در این باره ارائه کنیم : خانم سیسیک کوهلر معلم و عضو اتحادیه معلمان فرانسه است. او از سال ۲۰۱۶ مسئول روابط بین الملل فدراسیون ملی فرهنگ و آموزش حرفه ای شده که بزرگترین فدراسیون معلمان فرانسه است. آقای ژاک پاریس هم آموزگار است اما مانند خانم کوهلر فعالیت های چشمگیری ندارد. خانم سیسیک فردی سرشناس در حوزه فعالیت های سندیکایی و عضو مهمی از سازمان آموزش جهانی (EI) است و همه فعالیت های ملی و بین المللی او شفاف انجام می گیرد و مصاحبه ها و مقاله های گوناگون ایشان در رسانه های بین المللی، گویای دیدگاه های اوست.

از طرف دیگر شورای هماهنگی تشکل های

در دی ماه سال ۱۳۹۷ به دنبال آزادی اسماعیل بخشی از شکنجه گاه رژیم جمهوری اسلامی و انتشار نامه دادخواهی وی که انعکاس وسیعی در جامعه ایران و شبکه های اجتماعی پیدا کرد، شبکه دو سیمای آبروباخته رژیم پرده دیگری از این سناریوی شنیع را به نمایش گذاشت. این شبکه از سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی در ادامه بازداشت و زندان و شکنجه فعالین کارگری هفت تپه و فولاد اهواز تحت عنوان «طراحی سوخته» فیلمی از اعترافات اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را به نمایش گذاشت که در واقع محصول شکنجه و نمایش رسوایی سران رژیم جمهوری اسلامی بود. دستگاه های تبلیغاتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی در این فیلم تلاش کردند که اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه و فعالیت های اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و عسل محمدی و سندیکای کارگران شرکت واحد را به شبکه های تلویزیونی بیگانه و احزاب و گروه های «خارج از کشور» نسبت دهند.

هدف اصلی سران رژیم از این سناریوی نفرت انگیز مرعوب کردن رهبران و فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی در ایران بود. بازداشت و شکنجه فعالین کارگری، اعتراف گرفتن و نمایش نتایج شکنجه و بی اعتنایی به حمایت افکار عمومی و بین المللی از قربانیان این سناریو، سیاست آگاهانه ای بود که از جانب کادر رهبری سپاه پاسداران و در بالاترین سطوح رژیم در مورد آن تصمیم گیری شده بود. اما آلمان همان شرایط و توازن قوایی که باعث شده بود، بعد از انتشار نامه دادخواهی اسماعیل بخشی، سران رژیم ناچار شوند یکی بعد از دیگری به دروغ و انکار و یا توجیه اعمال مجرمانه شکنجه پردازان، همان شرایط نقشه های آنان را نقش بر آب کرد و سران رژیم را رسواتر ساخت.

اکنون در شرایطی که رژیم اسلامی زیر فشار امواج اعتراضات و اعتصابات کارگری، اعتصابات و اعتراضات سراسری معلمان و موج خیزش تهیدستان شهری علیه گرانی سرسام آور قرار گرفته است، سران رژیم بار دیگر به این سناریوی رسوا و نخ نما پناه برده تا اعتراضات برحق معلمان را دسیسه ی سرویس های جاسوسی غربی معرفی کنند و



ناصر زمانی

## دروغ پردازی‌ها و فریبکاری‌های نمایندگان حکومتی در استان کردستان پدیده‌ی تازه‌ای نیست!

درخصوص ۲۶ کیلومتر خط لوله انتقال جهت تامین آب سالم شهروندان را نه تنها شرم آور دانسته بلکه آن را مصداق روشنی از بی تعهدی و بهانه جویی و انحراف افکار عمومی جهت توجیه ناتوانی خود در این خصوص می‌داند. وعده‌های توخالی مقامات استان کردستان در کنار وعده‌های دروغین مسئولان جمهوری اسلامی از رئیس جمهوری گرفته تا وزراء و دیگر کارگزاران از یک جنس هستند و بیشتر به یک طنز روزانه بدل گشته است. آشکار است بودجه‌های کپکشان‌ی جنگ‌های نیابتی در یمن و سوریه و عراق و لبنان و تروریسم دولتی باید با کسر بودجه برای تامین آب آشامیدنی برآورده شوند.

تبلیغات فرشادان در حالی است که همزمان با آغاز سال جدید، نخستین موج ریزگردها و غبار وارد کردستان شد و هوای استان را در وضعیت هشدار قرار داد؛ تا جاییکه تنفس را برای گروه‌های از جمله بیماران قلبی و ریوی و گروه‌های آسیب پذیر که شمار آنها به دهها هزار تن افزون است، نفس‌ها را در سینه حبس کرده است. پدیده ریزگردها به معضلی برای استان‌های جنوبی و غربی تبدیل شده است، ریزگردهایی که مردم استان کردستان و سایر استان‌های غربی با تأثیرات مخرب آن دست و پنجه نرم می‌کنند. براساس گزارش محیط زیست کردستان، وضعیت در شهرستان‌های سنندج، کامیاران، مریوان و سروآباد در محدوده خطرناک و بسیار ناسالم و در شهرستان‌های سقز، بانه، قروه، دیواندره و دهگلان در حد هشدار گزارش شده است. موج جدیدی گرد و خاک و ریزگردها دوباره نفس کشیدن مردم کردستان به مانند دیگر بخش‌های ایران را، با مخاطرات جدی روبرو کرده است. روز سه شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه به دنبال هشدار نارنجی هواشناسی کردستان مبنی بر سطح نارنجی و تداوم آلودگی هوا، مراکز پیش دبستانی، مهدهای کودک و کلیه مدارس شهری و روستایی استان کردستان در تمام مقاطع تحصیلی در نوبت بعد از ظهر تعطیل اعلام گردید. در طول سال‌های گذشته وعده‌های مسئولین و نمایندگان حاکمیت سرمایه داری اسلامی ایران در کردستان برای مقابله با پدیده ریزگردها داده شده است که همه ساله با آغاز روزهای گرم سال و شدت گرفتن این پدیده، وعده‌ها نیز شدت می‌گیرند ولی مشاهدات عینی مردم،

و یک برنامه‌ریزی مناسب می‌توانیم به نتیجه برسیم، گفت: «از استانداران انتظار داریم نسبت به ریشه‌کن کردن فقر مطلق از تمام ظرفیت‌ها استفاده و اجازه ندهند این موضوع به سال ۱۴۰۱ برسد». اظهارات صرفن تبلیغاتی از طرف کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی امثال مهدی فرشادان با ادعای برطرف کردن مشکلات مردم و تحقق نیافتن وعده‌های آنان موضوع تازه‌ای نیست. این اظهارات و دادن وعده‌های تبلیغاتی از طرف کارگزاران دولت چه در سطح سراسری و یا چه در سطح استان‌ها تنها برای فرو نشان دادن خشم اعتراضات میلیونی کارگران و اقشار تهی دست جامعه است که هر روز شاهد آن هستیم و گرنه سوالی که مطرح است اینست که ریشه کن کردن شاخص‌های فقر فلاکت، فقری که طی یک روند سیاست نظام سرمایه داری در ایران و فرایند آن طی سال‌ها شکل گرفته و در عرض سه سال به صورت جهش توری، به بیش از دو برابر رسیده، قرار است چگونه و با چه معیار مشخصی در عرض یک سال ناگهان بر اساس شاخص‌های جهانی ریشه‌کن شود؟! فرشادان در حالی در حمایت از مردم کردستان از جمله بازنشستگان صحبت میکند، پروژه‌ی خط انتقال آب سد آزاد به تصفیه‌خانه سنندج در راستای مطالبات حتا قانونی با توجه به افزایش سطح آلودگی آب شرب، تقریباً متوقف شده که نه تنها نارضایتی شهروندان سنندج را به همراه داشته بلکه هیچ نشانی از فعالیتی از آن مشاهده نمی‌شود. پیرو بازدید «کمپین مطالبه آب شرب سنندج» چهارشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۱ از روند پروژه خط انتقال آب سد آزاد به تصفیه‌خانه سنندج آمده است: «لذا با توجه به صحت‌هایی که با پیمانکار پروژه انجام گرفته دلیل آن را عدم اعتبار لازم جهت انجام عملیات عمرانی در این خصوص اعلام کرد، این در حالیست طی صحت‌هایی که در اوایل سال جدید با نمایندگان در خصوص تسریع در روند اجرای پروژه صورت پذیرفت ضمن مخالفت شدید با هرگونه کسری اعتبار در رابطه با انتقال آب صریحا اعلام نمودند پروژه هیچ مشکل اعتباری نداشته و نه به صورت اوراق بلکه مبلغ ۳۴۰ میلیارد تومان جهت اتمام پروژه جذب شده است که بعد از پایان تعطیلات ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۱ مستندات آن را ارائه خواهیم داد... همچنین کمپین مطالبه آب این تناقض‌گویی و فرافکنی مدیران را

روز شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ مهدی فرشادان نماینده حکومت اسلامی مردم شهرستانهای سنندج، کامیاران و دیواندره در مجلس شورای اسلامی در آیین آغاز عملیات اجرایی نخستین خانه امید استان کردستان اظهار نمود: «بسیاری از بازنشستگان شرایط بسیار دشوار کار در دوران دفاع مقدس در مناطق جنگی را تجربه کرده‌اند و این بی انصافی است از مزایای قانون احتساب فوق العاده جنگی بی بهره باشند. تلاش می‌کنیم با بازنگری در قانون احتساب فوق العاده جنگی، بازنشستگان و کارکنان قراردادی و شرکتی دستگاههای دولتی نیز از مزایای این قانون بهره مند شوند». روشن است که منظور او «بازنشستگان از مقدسات رژیم دفاع» کرده‌اند و بر این اساس به کسانی که در جنگ ارتجاعی و ضد مردمی حکومتی و نیز سرکوب مردم در کردستان شرکت کرده‌اند، یعنی تنها عوامل حکومتی هستند که در بازنشستگی باید از «مزایای قانونی»، «احتساب فوق العاده جنگی» برخوردار باشند. فرشادان مزدور، تنها با این وعده وعیدها در شرایطی به «بازنشستگان خودی» که خود از عوامل سرکوب بوده و هستند وعده می‌دهد که خیزش سراسری کارگران و بازنشستگان کارگری و زحمتکش‌ها همه روزه، در سراسر ایران علیه حکومت اسلامی در خیابان فریاد می‌زنند. این کارگزار حکومت اسلامی نه تنها در برابر «همسان سازی حقوق بازنشستگان» و معلمین می‌ایستد بلکه به تصویب قانون و فرماندهی سرکوب و وظیفه مند است. در ادامه پیشبرد وعده‌های دروغین کارگزاران دولت، محمد باقر قالیباف هم در نشست علنی قوه مقننه روز یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۰ در جریان حذف ارز ۴۲۰۰ در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور اظهار کرد: «پیشنهادی که در مورد ارز ۴۲۰۰ امروز مطرح شده مربوط به کالاهایی که از خارج تهیه می‌شود، نیست. موضوع این است که کالاهایی که به خانواده‌ها داده می‌شود، افزایش قیمت نداشته باشد. باید کالای اساسی ثبات قیمت داشته باشد، این برای مجلس مهم است؛ هر روز قیمت‌ها بی‌دلیل بالا نرود و گرنه افزایش قیمت‌ها در بازار جهانی موضوعی روشن است.» هنوز از اذهان عمومی پاک نشده است که ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم با بیان اینکه دولت امکانات کافی برای ریشه کن کردن فقر مطلق را دارد و با یک کار جهادی

تبعیض های موجود، بیکار و یا مجبورند برای امرار معاش به شغل های کاذب به ویژه کولبری در مناطق مرزی روی بیاورند. کولبری علاوه بر اینکه زاینده بیکاری است، کولبران خود از قربانیان سیاست های نظام سرمایه داری ایران هستند. آنها در شرایطی مجبور به عبور با بار در مسیرهای مرگبار و پرخطر مرزی می شوند که حاکمیت جمهوری اسلامی راه دیگری برای تأمین حد اقل هزینه های سرسام آور زندگی برایشان باقی نگذاشته است. تا جاییکه جوانان، زنان نان آور خانواده و بزرگسالان برای تأمین زندگی خود و خانواده در مناطق مرزی ایران به کولبری روی آورده، در حالیکه شمار زیادی از کولبران مدارک دانشگاهی لیسانس و بالاتر را دارند و یا از قهرمانان ورزشی در سطح ایران و خاورمیانه هستند. آنها بارها فقط به دلیل حمل کردن یک تلویزیون با شلیک نیروهای مرزی کشته می شوند. بر همین اساس وعده های کارگزاران حکومتی و دولتی از بالا تا پایین برای حل مشکلات، برای مردم جای دل خوشی ندارد و فریب این وعده وعیدها را نخواهند خورد.

واقعیت اینست که شرایط سیاسی فعلی کشور در داخل و خارج متلاطم و آبدستن هرگونه حادثه و رخداد پیش بینی نشده ای در آینده ای نزدیک است. ساختار سیاست نظام سرمایه داری ایران با بحران ساختاری از یک طرف و از طرف دیگر با اعتراضات گسترده جنبش های اجتماعی روبرو شده و هر روز به وخامت آن افزوده می شود. بدون شک، تداوم این وضعیت، کشور را وارد بحران های همه جانبه کرده است. ما شاهد موج جدیدی از گرانی ها هستیم و مردم

در شرایط تنگنای اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی، سراسر ایران را به انبار باروت خشم و نارضایتی تبدیل کرده تا جاییکه توده های زیر ستم، شبی را آسوده به صبح نمی رسانند. در این آشفته بازار باندهای حکومتی، توده های میلیونی مردم ایران در میان شعله های گرسنگی، بی سرپناهی، بی دارویی و بی درمانی شرایط فلاکت باری به سر می برند. این روزها در سراسر جامعه ایران صحبت از «گرانی» و «افزایش قیمت کالاها» است؛ افزایش قیمتی که کل جامعه را بخصوص طبقه کارگر و اقشار کم درآمد جامعه را به ورطه ی نابودی کشانده است. اکثریت قریب به اتفاق توده عاصی و ناراضی از نظام سرمایه داری اسلامی ایران را کارگران، معلمان، بازنشستگان

کامل همسان سازی حقوق بازنشستگان و افزایش حقوق دوره بازنشستگی بر اساس خط فقر و تورم، پرداخت بدهی بالغ بر ۳۸۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، بیمه درمانی کامل رایگان بازنشستگان و تغییر شیوه تعیین اعضای هیئت امناء سازمان تأمین اجتماعی و کانون های بازنشستگی اند. شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی ایران «هستنا»، از بزرگترین و سودآورترین هلدینگ های اقتصادی ایران محسوب می شود، اما بازنشستگان از سود فعالیت های اقتصادی و تجاری صدها شرکت زیرمجموعه آن هیچ سهمی ندارند. فرشادان خود را به فراموشی زده است و فریبکارانه اعتراف نمی کند که مناسبات، دولت و حکومت فاسد حاکم و کارگزارانی مانند خود وی هستند که سایه تورم، گرانی، مرگ، بیماری و فلاکت را در این ۴۳ ساله حکومت نکبت بارشان بر بازنشستگان، مستمر بگیران و مزدبگیران آوار کرده اند. بارها بازنشستگان در اعتراضات خود اعلام کرده اند، قبل سفره هایمان کوچک بود و الان سفره های همه ما خالی شده است و ناامیدی از وعده های توخالی مسئولان برای



بیماری، نارضایتی و نگرانی ساکنان مناطق درگیر با این پدیده سندی برای عدم تحقق وعده های گذشته مسئولان به مانند فرشادان است.

بر اساس اطلاعات و آمار رسمی از مبادی ورود و خروج تانکرهای حامل مواد سوختی از مرز باشماق مریوان در هر ۲۴ ساعت ۱۸۰ تا ۲۰۰ تانکر از این مرز وارد می شوند. علیرغم اینکه ما شاهد عبور خودروهای کالاهای وارداتی دلان و باندهای حکومتی از عراق در سطح جاده های استان کردستان هستیم اما این جاده ها برای ترانزیت طراحی نشده اند. همچنین به دلیل وضع نابسامان جاده های کردستان و عدم وجود استانداردهای لازم جاده ایی باعث شده تا رانندگان و مسافران در رفت و آمد در این مسیرها که جاده های مرگ نام گرفته اند هر روز شاهد وقوع تصادفات مرگ آور جاده ای باشیم. افزایش ۵۰ درصدی واژگونی تانکر های سوخت و انفجار و آتش گرفتن آنها در جاده های کردستان به یک تراژدی تکراری تبدیل شده که جدا از آسیب جانی و مالی، واژگونی این تانکرها فاجعه زیست محیطی به بار می آورند. گزارش ها

بیانگر آن هستند که بالاترین آمار واژگونی تانکرهای سوخت در استان کردستان اتفاق رخ می دهند و بیشترین خسارت های جبران ناپذیر آن ها را باید زحمتکشان و تهی دستان شهر و روستا و کشاورزان فقیر منطقه متحمل شوند. در جاده های کردستان بخصوص مسیر میان مریوان به سنندج تلخ ترین لحظات را برای رانندگان ترانزیت، کامیون ها و تانکرها در این مسیرها رقم می زند و این بخش کارگران، رهگذران و

حاشیه نشینان این جاده ها هستند که بیشترین قربانیان سرمایه به شمار می آیند. باید گفت مادامیکه جاده های استان کردستان به محورهای ترانزیتی و استاندارد ارتقاء پیدا نکنند مطمئن مردم این استان شاهد کاهش آمار تصادفات و واژگونی تانکرها نخواهند بود.

فرشادان در حالی به فکر بازنشستگان کردستان افتاده است، که ما شاهدیم بازنشستگان تأمین اجتماعی از دی ماه ۱۳۹۹ هر یکشنبه مطابق با آنچه سنت «یکشنبه های اعتراضی» می نامند مقابل ساختمان تأمین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی می زنند. بازنشستگان و مستمری بگیران نسبت به سطح پایین حقوق و مستمری ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض اند و خواستار اجرای

انجام طرح همسان سازی و وضعیت ناگوار صندوق های بازنشستگی چاره ای جز فریاد در کف خیابان برای آن ها باقی نگذاشته است و پاسخی جز گلوله، زندان، شکنجه و خشونت مرگ آور نیروهای سرکوب نگرفته اند.

مهدی فرشادان در حالی به عنوان حامی بازنشستگان کردستان ظاهر می شود که استان کردستان از نظر نرخ بیکاری جزو پنج استان کشور است. مردمان زیادی در مرزها کردستان قربانی کولبری و فقر و محرومیت اند. نرخ بیکاری در ایران بالا است و در استان های غربی بالاتر؛ در کردستان دو برابر میانگین کشوری، فرآیند چنین شرایطی، افزایش بیکاری و معضلاتی همچون کولبری را پدید آورده است. شمار زیادی از مردم استان کردستان در سایه



## کومه له مدافع قاطع حکومت شورایی در کردستان

تجربه سراسر جهان به خوبی ثابت کرده است که دموکراسی پارلمانی در پس ظواهر ریاکارانه اش همواره ابزار دور نگه داشتن عملی کارگران و توده های مردم از دخالت در سرنوشت خویش بوده است. ماهیت حقیقی پارلماناریسم بورژوازیی نه تنها در رژیم های سلطنت مشروطه پارلمانی، نه تنها در رژیم جمهوری اسلامی، بلکه در دموکراتیک ترین جمهوری ها هم این است که در هر چند سال یکبار تصمیم گرفته میشود کدامیک از اعضای طبقه حاکمه در پارلمان مردم را سرکوب و حقوق آنان را لگدمال کند. در مقابل نظام پارلمانی، نظام شورایی بهترین و در دسترس ترین وسیله دخالت کلیه احاد طبقه کارگر و توده های مردم هم به مثابه قانونگذار و هم به عنوان مجری قانون و اداره و مدیریت جامعه می باشد. در شرایطی که پیشرفتهای تکنولوژیک و گسترش شبکه های اجتماعی بیش از هر زمان دیگری ارتباطات را توسعه داده و امکان دسترسی به اطلاعات را در همه زمینه ها برای همگان فراهم کرده است، نظام شورایی کار دخالت مستقیم کارگران و توده های مردم را در اداره امور جامعه بیش از پیش تسهیل می کند. این نظام می تواند از برقراری یک سیستم بوروکراتیک که مجدداً بر فراز انقلاب و مردم بپاخاسته قرار گیرد و آنها را تبدیل به تماشاچیان ناتوان صحنه سیاست کند، جلوگیری نماید.

در همین راستا یکی از وظایف و اولویت های کومه له که لازم است بر آن تأکید کنیم، تلاش سازمان یافته در راستای تبدیل کردن بدیل و آلترناتیو حاکمیت شورایی مردم به یک گفتمان نیرومند در میان توده های مردم کردستان است. با توجه به اینکه جامعه ایران گام به گام به یک موقعیت انقلابی نزدیک می شود، موقعیتی که پرونده قدرت سیاسی را به روی جامعه باز می کند، مسئله شکل دادن به بدیل حکومتی اهمیت سیاسی حیاتی پیدا کرده است. در برابر آلترناتیو و نقشه راه نیروها و احزاب ناسیونالیست که برای کسب قدرت سیاسی و تقسیم آن در بین خود و از بالای سر مردم و متکی کردن آن به یک ارتش میهنی و سیستم پارلمانی تلاش می کنند، لازم است آلترناتیو اداره شورایی جامعه را که بخشی از تجربه مبارزه انقلابی خود مردم کردستان نیز بوده است به یک گفتمان نیرومند در جامعه تبدیل کرد. لازم است ایده سازمان و حاکمیت شورایی را به میان هر خانواده، جمع و محفلی برد. در شرایطی که جامعه گام به گام به یک دوره انقلابی نزدیک می شود لازم است برای برپا کردن شوراها در هر کارخانه و مرکز تولیدی، در هر محله و روستایی بستر سازی کرد. بدون تبدیل بدیل شورایی حاکمیت مردم به یک گفتمان نیرومند که یکی از عنصرهای تعیین کننده و رمزهای پیروزی جنبش انقلابی کردستان است، این نگرانی وجود دارد که توده های مردم کردستان در تغییر و تحولات آینده یک بار دیگر به حاشیه رانده شوند و بعد از بیش از چهل سال مبارزه امکان این را پیدا



نکنند که به شیوه ای مستقیم در حاکمیت و اداره و

روز از روز پیش کوبنده تر می گردد، شمار کارخانه ها و مراکز کار در حال تعطیل سیر صعودی دارد. هیچ روزی نیست که بر لشکر بیکاران افزوده نگردد. طبقه سرمایه دار و دولتش نه فقط هیچ اقدامی انجام نداده و نمی دهد، بلکه بر شدت فلاکت مرگ بار افزوده است. در برابر چنین مناسبات و حاکمیتی است که خیزش گرسنگان برای نان و کار و اداره ی شورایی، بار دیگر اردیبهشت را به دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ پیوند می دهد.

بیش از ۴۰ سال حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه داری، هیچ گاه کل ماشین دولتی و قدرت سیاسی سرمایه یا کل بورژوازی حاکم به میزان امروز از طغیان توده های کارگر احساس وحشت و نگرانی نکرده است. نباید فراموش کنیم رژیم سرمایه داری اسلامی ایران از خیزش های سراسری و توده ای که در حال حاضر بستر می یابد، به شدت هراسان شده است. آماده است کاملاً وحشت دارد. حاکمیت اسلامی و همه بورژوازی در برابر خیزش های سراسری و قهر انقلابی علیه وضع موجود، به یک زبان طبقاتی، زبان منافع سرمایه و حفظ مناسبات موجود سخن میگویند. بر همین مبنا جنبش های اعتراضی و مطالباتی کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان و بیکاران درهم تنیده شده و رژه ی شورش گرسنگان علیه فقر و نابرابری و علیه وضع موجود شیپور انقلاب است که به صدا درآمده است. بر همین اساس اعلام همبستگی و پیوند مبارزات روزانه کارگران بخش های مختلف طبقه کارگر، معلمان، بازنشستگان، زنان و دانشجویان تا جوانان بیکار و زنه طبقاتی آنها برای تثبیت و پیشبرد مبارزه طبقاتی را افزایش می دهد. تلاش برای سازمان یابی اعتصابات عمومی با تنیده شدن بر متن خیزش های سراسری و گسترش دامنه ی آن همراه با جنبش انقلابی توده های زیر ستم مضاعف کردستان تنها حلقه واسطی خواهد بود تا بتواند نظام سرمایه داری اسلامی ایران را زمین گیر کند، سرنگون سازد و حاکمیت شورایی کارگران و تهی دستان شهر و روستا را برپا سازد.



و دانشجویان، جوانان بیکار و جمعیت میلیونی حاشیه نشین تشکیل می دهند. این جمعیت افزون بر ۶۰ میلیونی به فقر مطلق نشانیده شده، مطمئنن سوای اعتصاب و اعتراض در محیط های کاری و همچنین در کف خیابانها و میدان ها برای نمایش قهر و نارضایتی در اعتراض به حاکمیت سرکوبگر تا دندان مسلح رژیم جنایتکار اسلامی، با خیزش و شورش، و سرانجام جنبش سراسری، حاکمیت را به مبارزه نهایی فرا می خوانند. استان کردستان هم به مانند دیگر نقاط ایران علاوه بر ستم طبقاتی از ستم ملی تحمیل شده، با مشکلات اشاره شده در بالا رنج می برد. حاکمیت جنایتکار رژیم سرمایه داری ایران بیش از چهار دهه است با سرکوب و میلیتاریزه کردن و ایجاد فضای امنیتی و رعب و وحشت و بادستگیری، بازداشت و زندان فعالین جنبش های اجتماعی در کردستان نه تنها از بازدارندگی برخوردار نبوده و نیست، بلکه به گواه تاریخ مبارزات مردم کردستان، از طرف آنها با گفتن نه به جمهوری اسلامی مانع جدی در تثبیت و مشروعیت حاکمیت تا دندان مسلح رژیم سرکوبگر سرمایه داری ایران بوده و هستند. مهدی فرشادان و دیگر کارگزاران رژیم اسلامی ایران تافته جدا بافته از این حاکمیت سرمایه داری اسلامی ایران نبوده و نیستند. آنها نیز از مجریان سیاست های حاکمیت رژیم اسلامی ایران هستند که به جز سرکوب، تشدید ستم طبقاتی و تحمیل کردن سیاست های شوینستی و ستم ملی فعالیت دیگری را در دست نداشته اند. در این آشفته بازار قیمت ها، ترس و دلهره از گرانی و افزایش قیمت کالاها و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی، بالای جان مردم شده و کارگران و اقشار فرودست جامعه شی را آسوده به صبح نمی رسانند. این روزها همه جا و صحبت از «گرانی» و «افزایش قیمت کالاها» و گرسنگی بی نانی است؛ افزایش قیمتی که کل جامعه بخصوص قشر ضعیف و کم درآمد جامعه را بار دیگر خیزش و ادامه اعتراض ها و اعتصاب ها و رویارویی های خیابانی کشانیده است. دروغین بودن وعده های سران رژیم اسلامی موضوع تازه ای نیست. مشکلات اقتصادی و معیشتی در ایران، تبدیل به یک انبار باروت خشم و نارضایتی شده است. موج بحران هر

نیمه مهاجر

## گام‌های عملی ایجاد یک تشکل توده‌ای

کنش‌گرانه، از پیش اندیشیده، مکرر و سازمان‌یافته ارتقا یابد، می‌تواند به امر سازمانیابی کمک کند.

**گام چهارم،** برگزاری مجمع عمومی، انتخاب نمایندگان، ایجاد صندوق همبستگی، انتشار نشریه، ایجاد رسانه‌ی مستقل، تاسیس ارگان‌های آموزش ... و در کل اقداماتی است که بتواند به امر سازمانیابی استقلال طبقاتی، آگاهی بخشی و پرورش کادرها یاری برساند. گفتنی است که برداشتن گام‌های عملی ایجاد تشکل توده‌ای تحت سلطه دیکتاتوری و خفقان به کاردانی، صبر انقلابی، فداکاری و بکارگرفتن روش‌های مخفی، نیمه‌مخفی و علنی سازمانیابی نیاز دارد. نیروهای پیشرو بدون در نظر گرفتن اصل توازن قوا و عملی کردن اشکال مختلف سازماندهی هم متحمل هزینه‌های زیادی می‌شوند هم امکان دارد حرکت‌شان در همان نقطه خفه شود.

پیشروان کارگری و عناصر مترقی حاضر در جامعه از این طریق و با برقراری پیوند ارگانیک و آگاهانه با بدنه‌ی زحمتکشان در موقعیت رهبری مبارزات جاری قرار می‌گیرند. تنها زمانی که عناصر آگاه در کنار خیل عظیم کارگران و زحمتکشان تشکل‌های توده‌ای را ایجاد کرده باشند، می‌توانند در خیزش‌های خودانگیخته و اعتراضات توده‌ای منشاء اثر باشند. در غیر اینصورت در مقام تماشاگر یا دنباله‌روان حرکت‌های خودجوش باقی می‌مانند و جز برگزاری آکسیون‌های فرقه‌ای و صدور بیانیه‌های بی‌پشتوانه راه به جایی نخواهند برد. اقدامی که با اقبال توده‌ها مواجه شود مهمترین معیار برای نشان دادن ماجراجویانه یا سنجیده بودن یک حرکت است. تاریخ نشان داده است فقط نیروی منسجمی که دانش و توان بسیج توده‌ای را داشته باشد قادر خواهد بود به سمت تصرف قدرت سیاسی خیز بردارد.

خرداد ۱۴۰۱

برای ایجاد یک تشکل توده‌ای در قدم نخست لازم است به بررسی و تعیین بخشی از توده‌های هم‌سرنوشت پرداخت که اولاً: یا با معضلات و بحرانهای مشترکی روبرو باشند، دوماً: یا اینکه خواسته‌ها و افق‌های مشترکی داشته باشند.

سپس در قدم دوم لازم است کوشش کرد که این بخش از جمعیت را حول مطالبات واقعی و مشخصی دور هم جمع کرد. موضوع این تجمع‌ها و مطالبات آن‌ها می‌تواند در مورد آموزش، بهداشت و درمان، کار، تورم، آسیب‌های اجتماعی، جنگ و ناامنی، امکانات شهری، مسئله‌ی محیط زیست، مسکن، و دیگر مسائل دمکراتیک، جنسیتی یا ملیتی باشد. پیشروان حاضر در محل از یک طرف تشخیص می‌دهند که پاسخگویی به کدام بحران و مطالبه‌گری پتانسیل بسیج توده‌ای را داراست، از طرف دیگر تصمیم می‌گیرند که در شروع کار تجمع‌های توده‌ای را به شکل اعتراضات علنی و خیابانی برگزار کنند یا گلگشت‌های نیمه مخفی و بی سر و صدا. در واقع مسئله‌ی اصلی این است که پیش‌نیاز و تدارکات تجمع توده‌ای پایدار را برای پاسخ دادن به نیاز و مطالبات عینی فراهم آورد. تجمع توده‌ای هر چند می‌تواند در گروه‌های مجازی (واتساب، تلگرام و...) عملی شود اما تجمع فیزیکی توده‌ها در یک مکان مشخص اهمیت بسزایی دارد. کارگران و زحمتکشانی که در یک مکان دور هم جمع می‌شوند، از مشکلات و مطالبات‌شان سخن می‌گویند، راهکارها را بررسی می‌کنند و برای اقدام عملی تصمیم می‌گیرند؛ بهتر می‌توانند از همدیگر انرژی و اعتماد به نفس بگیرند، بهتر می‌توانند به یکدیگر اتکا کنند و با قوت قلب بیشتری قدم در راه می‌گذارند.

در قدم سوم لازم است به ابتکارات و روش‌هایی اندیشید که بتوان این تجمعات توده‌ای را به صورت نقشه‌مند، پایدار و منظم برگزار کرد. تنها زمانی که این تجمع‌ها از حالت واکنشی، لحظه‌ای، خودبخودی و موردی به حالتی

مدیریت جامعه ایفای نقش کنند. تجربه کردستان عراق نمونه بسیار گویایی است که نشان می‌دهد حاکمیت احزاب ناسیونالیست از طریق پارلمان و وزارتخانه‌ها نه تنها هیچ مجربایی برای دخالت مردم در قدرت سیاسی و اداره جامعه باقی نمی‌گذارد، بلکه پارلمان به وسیله‌ای برای دور نگاه داشتن مردم از دسترسی به اهرم‌های اداره و مدیریت جامعه تبدیل شده است. نباید بگذاریم این تجربه در کردستان ایران نیز تکرار شود. اگر کارگران و مردم ستمدیده کردستان نمی‌خواهند به این سرنوشت گرفتار آیند، لازم است از هم اکنون به فکر پایه‌ریزی حاکمیت شورایی خودشان باشند. کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان لازم است به فکر پایه‌ریزی دولتی باشند که هر زن و مرد کارگر، و هر انسان زحمتکشی بتواند به شیوه‌ی شورایی اهرم‌های قدرت آن را در دست بگیرند و مستقیماً در حیات سیاسی و اداره جامعه نقش رهبری ایفا کنند. برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان امکان‌پذیری پایه‌ریزی همچون حکومتی، یعنی "حکومت شورایی" را به مردم نشان می‌دهد. کومه‌له می‌خواهد ضرورت حاکمیت شورایی را به آگاهی جمعی مردم کردستان تبدیل کند با این هدف که کمتر از آن را پیروزی به حساب نیاورند و به کمتر از آن تن ندهند. برنامه کومه‌له برای حاکمیت شورایی امر حاکمیت در کردستان آزاد شده را حق بی‌چون و چرای کارگران و مردم ستمدیده کردستان میدانند و کومه‌له حاضر نیست با هیچ حزب و گروهی بر سر تقسیم قدرت در آینده وارد مذاکره و گفتگو شود، زیرا حاکمیت را نه از آن این حزب و آن سازمان، بلکه قدرت سیاسی و اداره امور جامعه به سوی برابری و رهائی را از آن توده‌های مردم می‌داند. بر اساس برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان، با در هم پیچیدن بساط حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان، کارگران و زحمتکشان، زنان ستمدیده و فرودستان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌توانند و قادر هستند قدرت را در دست بگیرند. مطابق برنامه کومه‌له برای حاکمیت شورایی مردم در کردستان، یک ساختار شورایی است که امکان شرکت و دخالت وسیع‌ترین توده‌ها را در امر حاکمیت و مدیریت جامعه فراهم می‌آورد و از منافع و مصالح آنها حمایت می‌کند.

آنچه در برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم کردستان بر آن تاکید می‌شود، حاکمیت شورایی است که در رأس آن کنگره سراسری نمایندگان شوراهای و در پایین‌ترین سطح آن شوراهای محلی شهر و روستا و محل کار قرار دارند و از طریق سیستم شورایی مستقیماً بعنوان عضوی از دولت در امر حاکمیت نقش فعال دارند و از طریق نمایندگان خود در سطوح مختلف، شوراهای ناحیه‌ای، ایالتی، محلی و سراسری در همه عرصه‌های فعالیت اجتماعی، دخالت می‌کنند. نیروی مسلح محلی تحت فرماندهی کنگره سراسری شوراهای امور مربوط به دفاع از دستاوردهای مردم کردستان را در برابر تهدیدها و تعرض‌های دولت مرکزی و یا هر نیروی دیگری بر عهده خواهد داشت.

## پرسش‌ها و پاسخ‌ها:



در این صفحه کوشش می‌شود تا به پرسش‌های خوانندگان جهان امروز پاسخ داده شود.

### می‌کند. به نظر شما تداوم این خیزش‌ها در گرو چیست؟

جهان امروز: خیزش اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ درست است که به صورت فورانی جلوه‌گر شد، اما ناگهانی نبود. حضور سراسری بخش‌های گوناگون طبقه کارگر از رسته‌های تولید، خدماتی و بازنشستگان، روز اول ماه می، یا یازدهم اردیبهشت، با پیشتازی زنان و مردان کارگر در خیابان‌ها بیانگر رشد و تکامل آگاهی و سازمانیابی طبقاتی نسبی بود. این حضور سراسری، همراه با زدن مهر طبقاتی بر خیزش، بیانگر یک اراده‌ی به نسبت آگاه و نیز یک همبستگی سراسری از کردستان تا خراسان، فارس، آذربایجان، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد، گیلان و مازندران، خوزستان و تهران و دیگر استان‌ها و شهرها بود. سخنرانان در روزکارگر، در هفت تپه و ساندج و شیراز و تهران و بوشهر و یاسوج و دهها شهر و شهرک، به حکومت‌التهوماتوم دادند که عمرت به سر رسیده. تولیدگران ثروت‌ها، دارایی‌ها و درآمدهای جامعه با شمار بیش از پنجاه میلیونی خود، که نانشان ربوده و در فقر مطلق نشانیده شده‌اند، گرسنگی را تاب نمی‌آورند، همانگونه که فراتر از آن، خواری و بندگی و اسارت را بر نمی‌تابند. لشگر گرسنه‌گان یک شبه گرسنه نشده و به بندگی کشیده نشده بودند؛ جامعه، آماده‌ی انفجار بود. برای دینامیت‌های انفجاری، دو عامل تعیین کننده لازم‌اند، ماده انفجاری یا همان تی ان تی یا باروت، و دوم ضربه‌ی انفجاری. جامعه‌ی نزدیک به ۸۰ میلیونی، به «آستانه‌ی تحریک» رسیده بود. البته نباید انتظار داشت که حضور میلیون‌های تن را در خیابان مشاهده کرد تا آنرا جنبش نامید. آنچه به این خیزش ماهیت جنبشی و سراسری می‌بخشد، حضور بخش پیشتاز رسته‌های گوناگون طبقه کارگر، تهی‌دستان، زنان، فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی در شهرک‌ها، شهرها و بخش‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی از اتوبوسرانی واحد گرفته تا هفت‌تپه و شهرداری‌ها و معلمین و بازنشسته‌گان کارگری، از کلان‌شهرها گرفته تا شهرک کارگری شش هزار نفره‌ی هفشه‌جان و جوققان و... است. انقلاب



می‌ستاند. به یاد داشته باشید که جنبش بردگان به رهبری اسپارتاکوس‌ها پیشتاز مبارزه‌ی طبقاتی است که همچنان تا رهایی بشریت از زنجیر استثمار و از خودبیگانگی ادامه دارد.

شورش، هرچند دارای زمینه مادی است، اما واکنشی، ناگهانی، طغیانی و بدون برنامه ریزی و سازماندهی است، نمونه شورش علیه گرانی یک شبه‌ی بنزین و یا برآمد ناگهانی بخشی از جامعه در واکنش به یک رخداد ناگهانی و غیرپیش بینی شده باشد که فوران یافته و مهارپذیرتر باشد، اما خیزش از آگاهمندی نسبی و زمینه‌ی مادی مشخص‌تر و آشکارتری همراه است و عامل یا عوامل آن از دید زمانی، بروز مادی آنرا مهیا ساخته است. شورش و خیزش، برآمد، اعتراض، فوران و... می‌توانند جنبه‌ی همه‌گانی، و بدون مُهر و نشان طبقات اجتماعی ویژه‌ی باشند و با تغییراتی غیربنیادین یا رفرمهایی مهار شوند یا در تداوم خود به جنبش طبقاتی و اجتماعی تکامل یابند. جنبش بنا به مفهوم دیالکتیکی، به خاستگاه و پایگاه طبقاتی بازمی‌گردد. جنبش تا حل بنیادین خود، پایدار است و نمی‌توان آنرا از میان برداشت، اما می‌توان شتاب آنرا کند یا شتاب بخشید.

جنبش، از تضاد ریشه تکاپو می‌گیرد و تا حل تضاد بین تز و آنتی تز، یعنی از میان برداشتن سوی ارتجاعی و تثبیت‌گرایی تضاد، به سود وجه دگرگون‌خواه و پیشرو و دستیابی به سنتز یا پدیده‌ی نوین به پیش می‌رود. ضمانت تداوم و حق ستانی خیزش‌ها در این است که با جنبش‌های جاافتاده اجتماعی و طبقاتی در اشکال موثرتری همچون اعتصاب عمومی در آمیزد.

**پرسش: این اولین بار نیست که مردم جان به لب رسیده در ایران دست به شورش می‌زنند و رژیم بی‌مهابا با دستگیری و زندانی کردن و کشتار توده‌های بی‌پایاخته را تا بره‌ای به عقب نشینی وادار**

**پرسش: در خیزش‌های اخیر از واژگان متفاوتی استفاده می‌شود. مثلاً "شورش گرسنگان"، "خیزش نان" و ... آیا این واژه‌ها دقیق هستند و تفاوت آنها با جنبش چیست؟**

جهان امروز: کاهش دهی خیزش جاری، تنها زیر نام «خیزش نان» و یا «شورش گرسنگان»، تنزل یک جنبش طبقاتی است. فقر مطلق کارگران و لایه‌های پایینی و فرودستان جامعه، یعنی گرسنگی و مرگ تدریجی از گرسنگی و بی‌سپهری موضوعی طبقاتی به شمار می‌آید و با بی‌خانمانی و بیماری، فلاکت‌بارتر شده است. فشرده‌گی و تراکم ستم‌های مرگبار، ویژگی ۴۳ ساله‌ی استبداد مضاعف سرمایه‌داری و اسلامی است. اعلام گرانی نان و گذران بخور و نمیر، ماشه‌ی انفجار اردیبهشت بود که در حکومت اسلامی، تاریخی به درازای نزدیک به نیم قرن دارد. باید نان شب طبقه کارگر و تهی‌دستان شهر و روستا ربوده می‌شد تا هزینه‌های تبه‌کاران حکومتی در سوریه و یمن و عراق و لبنان، هزینه‌های کهکشانی ماشین سرکوب، تروریسم دولتی، اورانیوم برای تولید بمب‌های اتمی و فرمانروایی باندهای فاسد و فریبکار روحانیت و جلازاده‌ها و سپاه و باندهای فاسد حکومتی را برآورده می‌ساخت.

از سوی دیگر، برخی بنا به «فرهنگ» خسروانی، مفهوم گرسنگی را «عار و ننگ» اشرافیت ایرانی خود می‌دانستند و به خود اجازه می‌دادند که «دستور فرمایند» تا گرسنه‌گان، خود را گرسنه نخوانند و نگویند که نان شب ما همانند انسانیت و عزت نفس ما ربوده شده است و ما گرسنه‌ایم! گویی گرسنه‌گان باید از «دیگران» اجازه می‌گرفتند تا خود را آنچه آنان دیکته می‌کنند بنامند! از این روی، برآمد اردیبهشت، شورش گرسنگان است، زیرا که با ماشه‌ی ما گرسنه‌ایم، فوران یافت، اما ماهیت جنبشی داشت. آشکار است که بیش از هر طبقه و لایه‌ی اجتماعی دیگر، آزادی و آسایش و شادی و عزت نفس ربوده شده‌ی خویش را از ربایندگان و مناسبات حاکم می‌خواهند و



## فراخوان کمیته تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران با تمام توان از جنبش مردم برای نان و خلاصی از رژیم جمهوری اسلامی حمایت کنیم!



سر برآوردن است، و بحران مشروعیت رژیم حتی در میان هواداران سنتی خود، نظام حاکم بر ایران را با یکی از جدی ترین بحرانهای چهل سال گذشته روبرو گردانده است. وضعیتی که در صورت پیروزی پیشروان جنبش کارگری و نیروهای مدافع این طبقه در ایجاد تشکلهای سراسری طبقاتی و توده ای، بهم پیوستن جویبارهای اعتراضی مردم به جان آمده میتواند به سیل بنیان کنی تبدیل شود و بساط جمهوری اسلامی را در هم پیچیده و به زباله دان تاریخ پرت کند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران وظیفه عاجل خود می داند با تمام قوا در جهت تقویت همبستگی طبقاتی و سوسیالیستی با مبارزات کارگران و زحمتکشان در همه جای عالم تلاش نماید. همکاری و مساعدت با همه نیروهایی که خود را همسو و هم سرنوشت با این مبارزات میدانند و بدور از سکتاریسم در این جهت تلاش میروند را در صدر برنامه های خود قرار دهد و از این رو زمین را زیر پای جمهوری اسلامی و مدافعین آن در خارج کشور داغ نماید.

ما از همین رو از همه فعالین چپ و کمونیست و مدافعین حقوق انسانی و آزادی های سیاسی و اجتماعی در خارج کشور می خواهیم در این راستا تلاشهای خود را همسو و متمرکز نمایند. بایستی هزینه سرکوب و شکنجه و فشارهای وارده بر مردم معترض از جانب جمهوری اسلامی را بیش از پیش بالا برد. جلب نظر و توجه نهادها و تشکلهای کارگری، تشکلهای زنان و همه نیروهای مدافع آزادی و مخالف شکنجه و دیکتاتوری از جمله اقدامات دیگری هستند که میتوانیم با انجام آن جبهه همبستگی بین المللی با مبارزات مردم به جان آمده ایران و علیه رژیم جمهوری اسلامی را تقویت کنیم.

کمیته تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران  
۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۱ - ۱۴ مه ۲۰۲۲



اکنون چند روز است که در پی تصمیم دولت رئیسی در مورد حذف ارزش ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی و گران شدن بسیاری از کالاهای اساسی نظیر آرد، گوشت، مرغ، تخم مرغ، لبنیات، برنج، ماکارونی و روغن موج جدیدی از اعتراضات توده ای شهرهای مختلف ایران را در بر گرفته است. اعتراضات علیرغم وعده و وعده های سران ریز و درشت رژیم و بنگاه های تبلیغاتی آن، از آنجا که مردم زحمتکش و سرکوب شده کوچکترین باور و اعتمادی به تمامیت رژیم جمهوری اسلامی ندارند بسرعت به شهرهای کوچک و بزرگ کشور از استانهای جنوبی و مرکزی و غربی کشور تا شمال و مرزهای خراسان فرا رویده است. مردم میدانند حکومت سرکوبگر، فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند کوچکترین دردی از آلام بیشمار آنان بکاهد.

اعتراضات اخیر در حالی رو به گسترش نهاده است که مبارزات معلمان کشور کماکان ادامه دارد. فراخوان اخیر «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» که برای پیگیری مطالبات معیشتی، آموزشی و اجتماعی و آزادی معلمین زندانی صادر گردید با موفقیت در بیش از ۳۰ شهر کشور روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت برگزار گردید. همزمانی این حرکتها که مطالبات آنان بسیار مشابه و همسو است در کنار هدف قرار دادن عامل اصلی اینهمه گرانی، فقر، فساد، سرکوب و تبعیض و استثمار که تمامیت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است ضرورت همراهی، همبستگی و هماهنگی هر چه بیشتر این جنبشها برای دستیابی به مطالبات برحق و انسانیشان را صد چندان نموده و در دستور کار گذاشته است.

تمام شواهد موجود نشان میدهد که بحرانهای هر دم فزاینده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کنار امواج اعتراضی کارگران و زحمتکشان که از هر کارخانه و کارگاه و بیمارستان و مدرسه و کوی و برزن در حال

سیاسی بهمن ۵۷  
به خواستهای  
توده های خیزشگر  
پاسخ نداده بود که  
تبهکارانه، به رهبری خمینی  
و همپالکی هایش و سازش  
سرمایه داران جهانی،  
مصادره شد. مطالبات  
تاریخی این تضاد، دستکم  
با گذشت ۴۳ سال عمر  
ننگین و خونبار حکومت  
اسلامی متراکم تر شده اند.  
از اینرو، دینامیسم این  
خیزش که از دی ۹۶ و  
آبان ۹۸ و تابستان ۹۹ با  
برآمد اردیبهشت جاری، با  
مهر طبقاتی فوران یافت،  
بیانگر یک جنبش طبقاتی و  
تاریخی است.

تداوم این خیزش با ماهیت  
جنبشی خود، در گرو  
سازمانیافتگی، آگاهی،  
همبستگی و سراسری شدن  
آن است. این خیزش باید  
از سوی طبقه کارگر رهبری  
شود. طبقه کارگر متفاوت  
با دیگر طبقات و لایه های  
اجتماعی، تنها طبقه ای است  
که نه تنها نمایندگی تمامی  
ستمیدگان و زحمتکشان  
جامعه بلکه همه گان را به  
عهده می گیرد. این طبقه  
اجتماعی، تضمین کننده  
دستیابی همه ی طبقات  
و لایه های اجتماعی به  
خواستها و حقوق انسانی  
خویش است. تداوم و  
پیروزی خیزش، در گروی  
همبستگی طبقه کارگر بدون  
آنکه استقلال طبقاتی و  
سیاسی خویش را از دست  
دهد با تمامی مطالبه گران از

### از سایت های

حزب کمونیست ایران و کومه له دیدن کنید!

کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

www.komala.co



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org





## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### خیزش توده ای علیه گرانی و فلاکت،

### علیه جمهوری اسلامی



## اطلاعیه کمیته تشکیلات خارج کشور

### حزب کمونیست ایران

### جان رضا شهابی در خطر است!

بنا به گزارش‌های رسیده از ایران در پی تمدید قرار بازداشت رضا شهابی برای یک ماه دیگر از سوی نهادهای اطلاعاتی رژیم در شرایطی که وضعیت جسمی وی بشدت وخیم و بحرانی توصیف شده است عملاً جان وی را با خطر مواجه نموده است. رضا شهابی در تماس تلفنی با خانواده خبربازداشت خود توسط دادبازی شعبه دوم مقدس اوین که به درخواست بازجویان اطلاعات دیروز یکشنبه صورت گرفت را اعلام کرد.

کمیته دفاع از رضا شهابی خبر داده است که از روز یکشنبه ۲۵ اردیبهشت که وی بازداشت شد وضعیت جسمی او رو به وخامت گذاشته و تیم پزشکی که بارها سراسیمه بالای سر او رفته و تلاش نموده اند با خوراندن داروهای بی حسی و کاهنده درد وضعیت ایشان را به حالت عادی برگردانند اما وضعیت وی هنوز به حالت عادی بازنگشته است. فشار خون بالا، کمر درد شدید، بی حسی در سیستم عصبی، بی حسی سمت چپ صورت که در حال سرایت به سایر نقاط بدن اوست و نیز گردن درد و سردرد شدید از جمله علائم این وضعیت است.

بنا بر گزارش همین کمیته مشکلات جسمانی رضا شهابی عوارض شکنجه‌های اعمال شده بر ایشان در دوره بازداشت قبلی او در بند ۲۰۹ اطلاعات اوین است. رضا شهابی در نتیجه شکنجه‌های وزارت اطلاعات طی سال‌های قبل و در بازداشت‌های پیشین، دچار عوارض بازگشت ناپذیری در سیستم عصبی، فقرات و کمر و گردن شد که اکنون با بازداشت مجدد وی به زندان دوباره این عوارض عود کرده است.

کمپین دفاع از رضا شهابی خاطر نشان نموده است که: بازجویی و تحت فشار قرار دادن رضا شهابی در این شرایط جسمی مصداق بارز شکنجه‌های شدید جسمی است. رضا شهابی، فعال کارگری است که در راستای دفاع از حقوق کارگران فعالیت کرده است. رضا شهابی و سایر زندانیان کارگری و سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!

کمیته تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران ضمن اعلام نگرانی شدید خود در مورد وضعیت بحرانی این کارگر زندانی، رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران را مسئول حفظ جان رضا شهابی میداند. رضا شهابی بایستی بدون قید و شرط آزاد و برای مداوا به بیمارستان منتقل گردد.

ما از همه تشکلهای کارگری و نهادها و افراد مدافع حقوق زندانیان و حقوق بشر می‌خواهیم مقامات رژیم ایران را برای آزادی وی تحت فشار قرار دهند. بایستی با دفاع از جان این فعال کارگری نگذاشت رژیم جمهوری اسلامی وی را از بین ببرد!

۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۱ ۱۵ مه ۲۰۲۲

آور و تیر اندازی برای مقابله با مردم معترض بود.

در اعتراضات توده ای اخیر، همچون خیزش‌های دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ شاهد شعارهای ضدحکومتی و سرنگون طلبانه بودیم. شعارهایی نظیر: "توپ، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه، مرگ بر دیکتاتور"، "رئیس‌ی دروغگو؛ حاصل وعده هات کو"، "رئیس‌ی حیا کن مملکتو رها کن"، "مرگ بر رئیس‌ی، مرگ بر خامنه‌ای" و غیره.

در شهر "جونقان" مردم معترض و خشمگین از سر نفرت از مراکز قدرت و سرکوب رژیم اسلامی، اقدام به تسخیر و آتش زدن پایگاه بسیج کردند و در برخی از شهرها نیز مردم عاصی از موج گرانی و فقر، به سوپرمارکت‌های بزرگ حمله کرده و سعی کردند با مصادره مواد غذایی، بخشی از نیاز خود و خانواده خویش را تامین کنند.

همزمان با اعتراضات سراسری معلمان و گسترش اعتراضات توده ای علیه موج جدید گرانی، شاهد مقاومت درخشان زندانیان سیاسی و اعتصاب غذای چند تن از آنان از جمله اسماعیل عبدی در دفاع از جنبش معلمان و جنبش‌های اجتماعی هستیم. جمهوری اسلامی در ادامه پیشبرد سیاست سرکوبگرانه خود، با یورش به منزل رضا شهابی (عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران) اقدام به بازداشت او و ضبط تلفن، کامپیوتر و وسایل شخصی او نمود.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن حمایت قاطع از دور جدید اعتراضات توده ای علیه گرانی و فلاکت و علیه جمهوری اسلامی، کارگران، معلمان و همه اقشار تهیدست جامعه را به برپایی اعتصاب و اعتراض و گسترش اعتراضات برای پایان دادن به فقر و فلاکت و اختناق و جمهوری جنایتکار اسلامی

به دنبال سلاخی بیشتر سفره‌های خالی مردم توسط رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، حذف ارزش ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی، شیخون به آخرین "سنگرهای غذایی" اردوی کار و رنج نیز آغاز شده است. با ده برابر شدن بهای آرد صنعتی و سهمیه بندی "نان سنتی" و نیز دو تا پنج برابر شدن بهای چندین کالای اساسی نظیر: گوشت، تخم مرغ، لبنیات، روغن، برنج و ماکارونی، شاهد موجی از اعتراضات توده ای در شهرهای مختلف ایران هستیم.

این اعتراضات که از روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت در شهرهای ایزه، سوسنگرد، شادگان و ... در خوزستان آغاز شده بود، این اعتراضات به رغم سرکوبگری نیروهای مسلح رژیم جنایتکار و آدمکش جمهوری اسلامی در روزهای اخیر به سرعت به دیگر شهرهای این استان و شهرهایی از دیگر استانها از جمله چلیچیه، دورود، بروجرد، دهدشت، جونقان، بهبهان، بویر احمد، اهواز، ماهشهر، اندیمشک، سوقه، خرم‌آباد، چهارمحال بختیاری، هندیجان، اردبیل، رشت، الیگودرز، شهر کرد، آبادان، خرمشهر، کرمانشاه، شیراز، دزفول، سرپل زهاب و ... کشیده شده و هم‌اینک در حال گسترش به استان‌ها و شهرهای دیگر است. اعتراضات توده ای این چند روزه، همزمان بود با فراخوان سراسری "شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان" برای روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت که با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" و تاکید مجدد بر خواستهای معیشتی و اجتماعی خود به میدان آمده بودند. اعتراضاتی که بر اساس گزارش شورای هماهنگی معلمان، حداقل در ۳۰ شهر برگزار گردید. واکنش جمهوری اسلامی چه در ارتباط با حرکت سراسری معلمان و چه در واکنش به اعتراضات توده ای علیه موج جدید گرانی همانا دستگیری و ضرب و شتم دهها معلم و مردم مبارز و نیز استفاده از گاز اشک



## برای آزادی معلمان و دستگیر شدگان اول ماه مه تلاش کنیم!



فرا می خواند و از همه فعالین چپ و انقلابی در ایران میخواهد که با حضور موثر در این جنبش ها و تقویت سازماندهی، تشکل یابی، همبستگی و بردن شعارهای رادیکال طبقاتی به میان مردم، به تقویت بدیل و گفتمان سوسیالیستی در جامعه بپردازند و مانع از دست اندازی اپوزیسیون راست بورژوازی بویژه سلطنت طلبان شوند.

همزمان در خارج از کشور، باید از طریق برپایی آکسیون های حمایتی، از اعتراضات توده ای و کارگری مردم ایران حمایت کنیم و از همه اتحادیه های کارگری و نهادهای مستقل بشردوستانه و مترقی بین المللی بخواهیم که همبستگی خود با جنبشهای کارگری و اجتماعی ایران را گسترش دهند و بویژه خواستار آزادی فوری همه دستگیرشدگان وقایع اخیر و کلیه زندانیان سیاسی شوند.

زنده باد جنبش کارگری  
و انقلابی مردم ایران

سرنگون باد رژیم  
سرمایه داری جمهوری  
اسلامی

زنده باد آزادی،  
زنده باد سوسیالیسم!

چهاردهم ماه مه ۲۰۲۲ برابر  
با بیست و چهارم اردیبهشت  
۱۴۰۱

شورای همکاری نیروهای چپ  
و کمونیست

سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیست، حزب کمونیست  
ایران، حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست، سازمان

چپ و کمونیست و مترقی و همه انسانهای شریف و آزاده مواجه شده است.

شواهد نشان می دهند که با رشد اعتراضات و مبارزات کنونی در جامعه، امکان سامان دادن یک جنبش سراسری نیرومند، حول خواسته های مشترک، و برای نان، آزادی و رفاه و نیز آماج قرار دادن جمهوری اسلامی بیش از گذشته، فراهم شده است. تلاش های همبسته برای آزادی معلمان زندانی، فعالین کارگری و دیگر جنبش اجتماعی گام مهمی در این راستا است. هم اکنون لازم است از هر طریقی که می توانیم در داخل و خارج از جامعه برای آزادی آنها تلاش کنیم. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن محکوم کردن این فشارها، خواهان آزادی بی قید و شرط همه دستگیرشدگان است.

زندان سیاسی آزاد باید گردد

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

چهارم ماه مه - ۲۰۲۲ چهاردهم اردیبهشت ۱۴۰۱

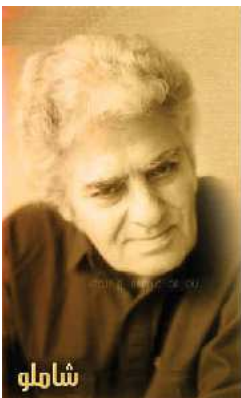
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست  
ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست،  
سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) وهسته  
اقلیت



روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) در سراسر جهان صدها هزار کارگر به همراه نیروهای چپ و کمونیست و مترقی، علیه نظام سرمایه داری و تهاجم گسترده آن به سطح معیشت و رفاه کارگران و استثمار فزاینده نیروی کار و نیز علیه جنگ طلبی و میلیتاریسم این نظام ویرانگر به خیابانها آمدند. در ایران نیز هزاران کارگر به اشکال مختلف صدای اعتراض خود علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را رساتر نموده و جنبش اعتراضی خود را گسترش دادند و به همین خاطر تعدادی از فعالین کارگری و معلمان بازداشت شدند.

در مرکز اعتراضات امسال حضور پرشور جنبش سراسری معلمان بود که با وجود سیاست های پلیسی و امنیتی گسترده و دستگیری فعالین و سازمان دهندگان آن، این جنبش عقب ننشست و فرهنگیان برای طرح خواسته هایی چون همسان سازی و رتبه بندی مشاغل (با حقوق مکفی متناسب با همه نیازهای انسانی)، آموزش رایگان، آزادی تجمع و تشکل، آموزش زبان مادری، آزادی معلمان در بند و ... در بسیاری از شهرهای جامعه به خیابان آمدند. رژیم برای ایجاد رعب و وحشت، و ترس از گسترده تر شدن اعتراضات بیش از سی نفر از فعالین شوراهای صنفی فرهنگیان را در شهرهای: بوشهر، مریوان، سقز، تهران، مشهد، هریسن، اهواز، منطقه البرز، جلفا، الیگودرز، همدان، اراک، لنگرود و ... را دستگیر کرده است. وسعت دستگیری ها، نماد روشنی از یک جنبش سراسری و پدیداری کادرها و فعالین پیشرو آن است. اعتراض فرهنگیان با حمایت گسترده بازنشستگان، تشکل های کارگری، نیروهای

"بنده هنر بدون تعهد را دو پول ارزش نمی گذارم. هنرمند همیشه بر قدرت است نه با قدرت، حالا اگر یکی می خواهد برود با قدرت باشد، بگذار برود خودش را با بند تنبان فلان رئیس جمهور دار بزند. اصلاً برایم مهم نیست نه زنده بودنش برایم مهم است نه مردنش. هنر که می تواند چیز مفیدی را زیباتر عرضه کند و به آن قدرت نفوذ بیشتری بدهد باید از خنثی بودن شرم کند. فضیلت هنرمند است که در این جهان بیمار به دنبال درمان باشد نه تسکین، به دنبال تفهیم باشد نه تزئین، طبیب غمخوار باشد نه دلگد بیچاره."



شاملو

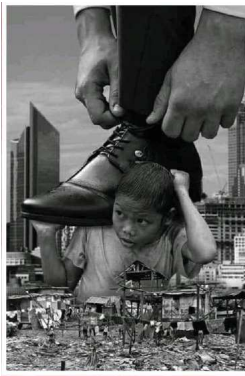




## ادبیات کارگری و "پرولتاریا"

ادبیات کارگری بخش جدا نشدنی ادبیات اجتماعی است که عینیت واقعی خود را در مناسبات کار و سرمایه به زندگی و دغدغه های کارگران می پردازد. علیه ستم طبقاتی می گوید و به بیانی آرمان ها و آرزوهای طبقه کارگر همراه با خانواده هایشان را به تصویر می کشد. از نظر تاریخی واژه ی پرولتاریا از امپراتوری روم باستان و در باره تهی دستان هستی خود را از دست داده و به جای پرداخت مالیات به کار گمارده می شدند، ریشه دارد. از سوی دیگر مردمانی که از روی اجبار برای خدمت به دم و دستگاه نظامی برای دفاع از امپراتوری، از نیروی جوان فرزندانشان مایه میگذاشتند و برای این سربازان از واژه ی "پرولتاریا" (واژه ای برگرفته از لغتی لاتینی به معنای فرزندمند) استفاده می کردند. در سده ی پانزدهم پس از میلاد دوباره برای مردمانی که زمین های شان را دست داده بودند و مجبور بودند از راه کارگری زندگی روزانه خود و خانواده ها را تامین کنند، این اصطلاح پرولتاریا دوباره بکار گرفته شد. در سده ی نوزدهم میلادی بار دیگر در ادبیات سیاسی به ویژه از سوئی (انگلس و مارکس) در اصول کمونیسم انگلس و سپس در مانیفست حزب کمونیست در سالهای ۱۸۴۰ پرولتاریا به ادبیات روزانه جامعه تبدیل گردید. کارل مارکس و فردریش انگلس در سال ۱۸۴۸ در اثر ماندگار «مانیفست حزب کمونیست» پرولتاریا را اینگونه توضیح میدهند: «مقصود از پرولتاریا، طبقه کارگران مزدور جدیدی است که مالک هیچ وسیله تولیدی نیستند و نیروی کار خود را برای تامین زندگی می فروشند.» آنان (پرولتاریا) که خود مولد ارزش و سرمایه اند اما سهمی از این ارزش و سرمایه ندارند. کارگران بخش عمده جامعه کار، صنعت و تولید را تشکیل میدهند و به کمک نیروی کار آنها چرخ اقتصاد و صنعت میچرخد.

تاریخ ادبیات کارگری در سده ی نوزدهم میلادی در واقع از سوی نویسندگان سوسیالیست و مارکسیست، وارد ادبیات داستانی شد. از نمونه های بارز در این حیطه،



لورنز فن اشتاین نویسنده اجتماعی مارکسیست آلمانی در رواج واژه پرولتاریا در میان عموم مردم نقش مهمی ایفا کرد. مشکلات معیشتی و عمیق تر شدن شکاف های طبقاتی باعث رقم خوردن اعتراض کارگران در محیط کار به شرایط سخت کار و زندگی، و از دل این شرایط ادبیات کارگری در اشکال گوناگون خلق می شود. ادبیات کارگری صرفنظر از ابعاد سیاسی و

انقلابی به زندگی کارگران و مشکلات ناشی از رخدادهای روزمره در محیط کار و تولید نیز باز می گردد که در قالب رمان، داستان های کوتاه، شعر و نمایش نامه های کوتاه و بلند خودنمایی میکند.

### وضعیت نابسامان شغلی و حقوقی

#### کارگران زن

#### فروشگاه های زنجیره ای نوظهور

#### محرمانه از میان قفسه ها (۱)

#### نویسنده: سمیه جاهدعظاییان

زیاد می بینمشان؛ لابه لای قفسه ها، پشت صندوق های شلوغ، در راهروهای عریض و طولانی، مشغول جابه جایی جعبه های سنگین و دست و پاگیر، حین چیدن جنس های جورواجور در طبقات و مواد غذایی در یخچال های سرد و یخزده و بعضی هایشان که تازه واردند را پشت کانترهای تبلیغاتی برای فروختن ۲ قلم جنس بیشتر و گرفتن چند هزار تومان پورسانت؛ در فروشگاه هایی که هر روز خبر افتتاح شعبه جدیدشان، تخفیف های عجیب و ویژه شان یا قرعه کشی های رنگارنگ شان در نوظهور خوش آب و رنگ هستند؛ کارگرانی که بسیاری از مردم، آنها را به چشم کارمندان بی دغدغه هایپرمارکت ها و سوپرمارکت ها می بینند و نمی دانند زیر پوست خوش آب و رنگ این فروشگاه ها، چه حقوقی از آنها پامال می شود.

روایت اول: از تخلیه بار تا نظافت، پای خودمان است

ساق پاهایش ورم دارد. پر از رگ های سیاه واریس شده، دکتر تأکید کرده که سرپا نماند و جوراب واریس بپوشد، اما مگر می شود در فروشگاه با این همه کار، چند دقیقه بنشیند و بیکار باشد؟ «تازه ۲۵ سال دارم و از بس سرپا مانده ام، درد و مرض آدم های ۷۰ ساله

سراغم آمده. بارها اراده کردم که دیگر کار نکنم، اما پول ادامه تحصیل را چه کسی بدهد؟ ما اصلا صندلی برای نشستن و کمی استراحت نداریم؛ یعنی تقریباً هیچ فروشگاه زنجیره ای برای کارگران سالن ها صندلی نمی گذارد. باید برای چیدن جنس، مرتب کردن قفسه ها، جواب دادن به سؤال مشتری و ... در فروشگاه گشت بزنیم.

دائم از دوربین ها چک می شویم، کافی است فقط چند دقیقه یک گوشه استراحت کنیم به فردا نمی کشد که از طرف مدیریت تذکر می گیریم که چرا درست کار نمی کنی؟ چرا حواست به مشتری نیست؟ فلان قفسه خالی مانده، فلان جنس فروش نرفته و ...»

سپیده ۳ سال است که کارگر یکی از سوپرمارکت های زنجیره ای نوظهور شده؛ از همان ها که هر روز برگه های تبلیغاتی شان را در خانه ها می اندازند و خبر از یک تخفیف جذاب و تکرار نشدنی می دهند؛ «حراج آخر سال»، «حراج آخر هفته» و ...»

«ما مثل کارگران بقالی و سوپرمارکت های محلی هستیم و هیچ فرقی با آنها نداریم. بعضی ها فکر می کنند چه کار شیک و آسانی داریم. صبح تا شب زیر باد کولر، بیکار در راهروها می چرخیم تا کارمان تمام شود، ولی اینطور نیست؛ از تخلیه بار تا نظافت فروشگاه با خودمان است. هر کاری که کارفرما بگوید باید انجام بدهیم. شده ۱۱ ساعت در روز کار کنیم، اما حقوقمان کف وزارت کار هم نیست. بیشتری هایمان بیمه نداریم. اجازه مرخصی نمی دهند. در همین دوره کرونا خیلی از بچه ها به خاطر طولانی شدن بیماری شان و ماندن در قرنطینه اخراج شدند. اگر بفهمند کسی در بین ما باردار است، زود عذرش را می خواهند.»

از حرف زدن می ترسد؛ از دوربین هایی که تمام جزئیات کار او را رصد می کنند و زنده به مسئول بالادست گزارش می دهند. دوست ندارد برایش دردسر درست شود، به درآمد ناچیزش نیاز دارد. «امشب تا ۱۱ باید بمانم. بعد از اینکه همه جا را تی کشیدم و زباله و جعبه های خالی را بیرون گذاشتم، می توانم بروم. فردا اول وقت بار می آورند و باید برای تخلیه اینجا باشیم؛ هم من و هم بقیه بچه ها.»

منبع:

۱. محرمانه از میان قفسه ها

meidaan.com/ https://archive/۷۷۸۶۷



## سرمایه داری مسبب اصلی جنگ، فقر و گرسنگی است!

در آنجا این عربستان است که یمن را حیاط خلوت خود دانسته و جمهوری اسلامی یمن را بخشی از عمق استراتژیک خود مینامد، اینجا هم اوکراین حیات خلوت ناتو و بویژه امپریالیسم آمریکاست و روسیه به اصطلاح در دفاع از خود مختاری ها در "لوهانسک و دونتسک" و مقابله با گسترش ناتو به کشورهای هم مرز تهاجم خود را توجیه میکند. ولی در این میان چه تفاوت عظیمی ما بین یمن و اوکراین موجود است. بر مبنای آمار رسمی سازمان ملل هفده میلیون از جمعیت سی میلیونی یمن به کمک های سازمان ملل برای نمردن از گرسنگی نیاز دارند. و دیدیم که در ماه مارس امسال تنها یک سوم از سه میلیارد و نهصد میلیون یورویی که سازمان ملل برای جلوگیری از مرگ- گرسنگی میلیونها یمنی تعیین کرده بود جمع آوری شد. اما در همین اجلاس چند روز اخیر وزرای مالی جی هفت مبلغ پانزده میلیارد یورو برای تأمین مخارج سه ماهه دولت اوکراین به تصویب رساندند. همزمان کنگره آمریکا چهل میلیارد دلار جهت کمک های نظامی اقتصادی به این کشور تصویب نمود. به این ارقام البته میتوان میلیاردها دلاری که از زمان تهاجم روسیه به اوکراین توسط دولتهای امپریالیستی غربی درگیر در این جنگ به این کشور سرازیر شده است را هم اضافه کرد.

به این تصاویر البته میتوان سرنوشت میلیونها انسان دیگر در کشورهای آفریقائی، در لیبی، سوریه، لبنان، عراق، افغانستان، مراکش، تونس و بالاخره ایران را اضافه کرد. و این سیمای جهانی است که بربریت سرمایه داری در خدمت انباشت سرمایه اقلیت ناچیزی بوجود آورده است. اما این بربریت سرنوشت ابدی کارگران، تهی دستان و گرسنگان جهان نیست. کارگران هفت تپه پاسخ خود را اینگونه میدهند: "ما گرسنه هستیم و خوب میدانیم که علاوه بر مایحتاج مادی، آزادی و دموکراسی شورایی تنها راه نجات جامعه بشریت از این بربریت و توحش است".

بیش از همه مثل همه جای جهان سرمایه داری گریبان کارگران واقشار تهی دست جامعه را میگردد. آمارهای موجود بسیار گویا هستند. در سال گذشته قیمت فرآورده های نفتی هفتاد درصد، سبزیجات بیست درصد، روغن پخت و پز بیست و سه درصد و غلات هشت درصد افزایش یافته است. گندم، رژیم غذایی اصلی اهالی هندوستان شاهد افزایش قیمت بیش از چهارده درصد بوده و خرید گندم توسط دولت کاهش یافته است. بطوریکه دولت مرکزی نسبت به سال گذشته پنجاه درصد کمتر گندم از کشاورزان خریداری کرده است. بی جهت نیست که تعدادی از احزاب چپ و کمونیست هندوستان در اعتراض به فقر و گرانی در فراخوان مشتریکی از همه مردم خواسته اند که از چهارم تا نهم خردادماه یک مبارزه مشترک و سرتاسری را علیه فقر و گرانی به پیش ببرند. آنان نوشته اند که "افزایش بی وقفه قیمتها بار سنگینی را بر دوش مردم تحمیل میکند و مردم رنج میبرند و با تشدید گرسنگی به فقر عمیقتری سوق داده میشوند. بیکاری بیسابقه و فزاینده، بدبختی مردم را تشدید کرده است".

اوضاع در یمن فاجعه بارتر است. سازمانهای وابسته به سازمان ملل از "بدترین فاجعه دست ساخته بشر در چند دهه گذشته" سخن میگویند. اما یمن گویا جایی است که خارج از جغرافیای این جهان قرار دارد. یمن اوکراین نیست که تمام مدیای جهان سرمایه داری روی آن تمرکز کرده باشند. هر چند که جنگ جاری در یمن نیز از نوع جنگهای نیابتی است که در بسیاری از نقاط جهان جریان دارند، ولی جنگی نیست که میدان زورآزمائی و جنگ همه قطب های قدرتمند جهان سرمایه داری باشد. آنچه هم روزی توسط نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی برای مقابله با "حوثی" ها که از جانب رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی مالی و نظامی میشوند، بمباران میشود. آنچه ائتلاف به رهبری عربستان در دفاع از به اصطلاح حکومت قانونی که سرنگون شده، به میدان آمده است. همانگونه که در مقیاس بسیار کلان تر ناتو برای نجات دارودسته به قدرت رسیده بعد از به اصطلاح "انقلاب میدان" تمام نیروی نظامی خود را به خط کرده است. اگر

در روز های گذشته "دفتر سازمان ملل برای هماهنگی امور بشردوستانه" در گزارشی اعلام کرد که ۱۸ میلیون نفر در منطقه ساحل آفریقا در آستانه گرسنگی قرار دارند. به گفته این سازمان میزان گرسنگی در جهان به بالاترین سطح خود از هشت سال پیش یعنی ۲۰۱۴ رسیده است. در روز پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت دبیر کل سازمان ملل در باره امنیت غذایی گفت: "در سراسر جهان ۴۹ میلیون نفر در ۴۳ کشور در بطور اضطراری با گرسنگی روبرو هستند و اکنون جنگ اوکراین جنبه وحشتناک جدیدی به گرسنگی جهانی داده است". بر اساس گزارش سازمان ملل، جنگ در اوکراین موجب شده است، که قیمت مواد غذایی در سراسر جهان به بالاترین سطح برسد. یک میلیارد و هفتصد میلیون نفر در جهان که یک سوم آنها زیر خط فقر به سر می‌برند، به شدت در معرض کمبود و قطع مواد غذایی، انرژی و سیستم‌های مالی هستند که منجر به افزایش فقر و گرسنگی بیشتر می‌شود. در آغاز سال جاری میلادی حدود دویست و هفتاد و شش میلیون نفر در سراسر جهان با گرسنگی حاد مواجه بودند، اما انتظار می‌رود در صورت ادامه جنگ در اوکراین، چهل و هفت میلیون نفر به این افراد به ویژه در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا افزوده شود.

در روزجمعه ۲۳ اردیبهشت نخست وزیر هند با اعلام ممنوعیت صادرات غلات شوک دیگری بر بازار جهانی وارد کرد. هندوستان دومین تولید کننده گندم جهان است. اقتصاددانان هندی از هم اکنون هشدار میدهند که امنیت غذایی اهالی یک میلیارد و سیصد میلیونی هند با خطر جدی مواجه است. قیمت کالاها در ماه گذشته با افزایش نزدیک به نه درصد روبرو بوده اند. دولت هند تولید کنندگان را متهم میکند که تولیدات خود را از راه های غیر قانونی به خارج از کشور فرستاده و بهای بسیار بیشتری از آنچه که در صورت فروش به دولت کسب میکنند، بهره مند میگردند. اما واقعیت این است که سالهاست دهقانان هند جهت رسیدن به مطالباتشان در هر فرصتی دست به اعتصاب و اعتراض و بستن جاده های اصلی ورود به پایتخت میزنند. تبعات این وضعیت